

طبقه کارگر، که مطمئن ترین تکیه گاه انقلاب است، باید بازوی مسلح انقلاب باشد

اسلحه و آموزش نظامی را بدرون کارخانه ها بگیریم

آن وارد آورد، که دیگر، هرگز نتوانست قد راست کند. طبقه کارگر، در دوران پس از پیروزی انقلاب، در قبال فشارهای اقتصادی امپریالیسم آمریکا به دعوت امام خمینی، پاسخ مثبت گفت و وظیفه افزایش تولیدات صنعتی را در برابر خود قرار داد، و این در شرایطی است که گران‌فروشان، تورم، کمی دستمزد، نداشتن سرانه مناسب، بیکاری و غیره زندگی طبقه کارگر را سخت آشفته و نابسامان ساخته است.

کارگران برای حفظ انقلاب از دستبرد زدن خورجی داخلی، برای تعیین جو آرام در کارخانه‌ها، برای رساندن تولید به سرز خودکفایی، پذیرفتند که هزینه‌های تصحیح و اعصاب راه که خواه ناخواه موجب افول تولید داخلی و غفلت جو هرج و مرج خواهد شد، بکار نگیرند و در برابر نظم برخاسته از انقلاب، تقه نشان دهند.

کارگران با هشیاری طبقاتی خود، دریافته‌اند که اگر هنوز انقلاب خواسته‌های اساسی اقتصادی آنها را برآورده نساختم، مشکلات اصلی کار و زندگی آنها حل نکرده است، ولی مداوم انقلاب در نهایت بسود زحمتکشان است، که اگر امروز انقلاب قادر به انجام خواسته‌های آنان نیست و یا قسور و ساجده از سوی برخی مسئولان وجود دارد، فردا بی‌تردید رفاه کارگران و همه توده‌های زحمتکش در برنامه کار مسئولان قرار خواهد گرفت. بقیه در صفحه ۸

به نیروی پر توان توده‌ها در دیوارونی با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب اطمینان داشت و از این نیرو به حداکثر بهره برد. باید مردم را هرچه بیشتر برای دفاع از انقلاب مسلح کرد.

ارتش بیست میلیونی، که به فرمان تاریخی امام خمینی پایه‌ریخته شد، در کنار نهادهای مردمی، چون سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب، آن جنبش مقاومت عظیمی است که از ضرورت عینی انقلاب برخاسته است. ارتش بیست میلیونی را باید نه تنها در شهرها، که در روستاها نیز، نه تنها در مساجد، که در مدارس نیز، نه تنها در دانشگاه‌ها، که در کارخانه‌ها نیز بسیج کرد. هزینه‌های مقاومت در برابر هجوم امپریالیسم آمریکا و ایادی آن، هم در مدارس و مساجد دانشگاه‌ها ضروری است و هم در کارخانه‌ها، که مرکز تجمع کارگران است.

طبقه کارگر، با آگاهی از وظایف تاریخی خویش در حفظ دستاوردهای انقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش آن، آن نیروی عظیمی است که می‌تواند عظیم‌ترین سد پایداری در برابر تهاجمات امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب باشد.

طبقه کارگر ایران، در دوران انقلاب، بنیادهای اقتصادی به تبدیل اقتصاد سیاسی، با تقویض اقتصادی برای برانگیخته شدن سراسری و سرانجام با بستن شیرهای نفت، چنان نرسیده که بخواهد بر ارتجاع حاکم و امپریالیسم حامی

خطر توطئه خونین امپریالیسم آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وارد مراحل جدی‌تری می‌شود. علاوه بر تأیید مقامات مسئول مملکتی از وجود توطئه، اخبار خبرگزاریها و مطبوعات خارجی حاکی از تلاش پر تب و تاب سازمانهای جاسوسی، ایتالیاجست، سرویس، موساد برای تجربه توطئه تازماری علیه انقلاب ایران است. روزنامه «واشنگتن پست» پنهان نکرده است که امپریالیسم آمریکا در تلاش به قدرت رساندن یک رژیم مورد اعتماد، در ایران است.

برای آنکه امپریالیسم آمریکادر این نقشه شیطانی توفیق یابد، سراسر منطقه اقیانوس هندوخلیج فارس را به انبار باروت و ادوات جنگ و اردوگاه کماندوها، رنجرها و تفنگداران خود تبدیل کرده است. حضور نظامی پستگون در این منطقه، هر روز گسترش بیشتری می‌یابد و تاوکان جنگی آمریکا در دریای عرب به سیر و گشت مشغولند. تنها در حوالی تنگه هرمز ۳۰ ناو جنگی آمریکا مستقر شده است. تا از «منافع حیاتی» آمریکا در منطقه پاسداری کند.

مزدوران ایرانی، که زیر نظر جاسوسان آمریکایی، اسرائیلی و مصری آموزش‌خوابکاری، ویرانگری و آدمکشی دیده‌اند، اکنون اشکال بیادشده در سواحل جنوبی ایران را تعزین میکنند.

به یک کلام، خطر پیرامون کشور ما در پرواز است و برای دفع آن باید هم هشیار و آماده بود و هم

رعایت سلامت امام خمینی یک وظیفه بزرگ انقلابی است

چندی پیش دفتر امام طی اطلاعیه‌ای از مردم خواست که برای رعایت سلامت امام خمینی از تقاضای ملاقات با ایشان خودداری کنند.

فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری نیز در خطبه‌های نماز جمعه خود تاکنون چندین بار این خواست را با تأکید تمام تکرار کرده است.

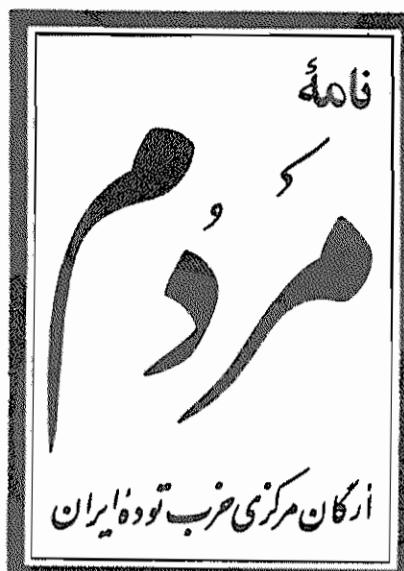
ولی متأسفانه ملاقاتها همچنان ادامه دارد. وجود امام خمینی، سلامت امام خمینی، برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت حیاتی است. هر کس که به انقلاب مومن و به جمهوری اسلامی ایران وفادار است، با هر عقیده و مسلک و مذهبی، در این واقعیت کمترین تردیدی ندارد، نیتواند و نباید داشته باشد.

پس حفظ جان امام خمینی، رعایت سلامت امام خمینی، یک وظیفه بزرگ انقلابی است.

پس براساس این وظیفه بزرگ انقلابی و با توجه به اطلاعیه دفتر امام و هشدار مکرر آیت‌الله منتظری، می‌باید محدود ساختن ملاقات با امام خمینی از طرف مقامات مسئول و همه دست‌اندرکاران سازمان داده شود. زیرا خود امام خمینی با خصلت انسان‌دوستانه و خلقی خویش مسلم است که تقاضاهای ملاقات را رد نمی‌کنند.

ما ضمن ابراز آرزوی صمیمانه و صادقانه خود برای سلامت امام خمینی، از مردم می‌طلبیم که از تقاضای ملاقات با امام خمینی خودداری کنند و از مقامات مسئول و همه دست‌اندرکاران می‌خواهیم که برای محدود ساختن ملاقات با امام خمینی تصمیمات جدی و قوی اتخاذ کنند.

باشد که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، در سلامت کامل بتواند نقش عظیم خود را در تحکیم و پیشرفت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با قاطعیت و درایت همیشگی ادامه دهند.



دوره نهم، سال دوم، شماره ۳۲۱، یکتبه ۹ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی ایران باید شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند

چهره تجاوز کار امپریالیسم آمریکا در صحنه جهانی

دولت شوروی دوست و متحد وفادار مردم ایران در مبارزه برای آزادی و استقلال ملی

شصت و یکمین سالگرد انتشار پیام شوروی خطاب به کارگران و دهقانان ایران

روز جمعه ۷ شهریور ۱۳۵۹، رادیو مسکو، بمناسبت شصت و یکمین سالگرد انتشار پیام دولت شوروی خطاب به کارگران و دهقانان ایران، تفسیری پخش کرد، که بعلاوه اهمیت موضوع، عین آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم: بقیه در صفحه ۲

آیت‌الله منتظری در خطبه‌های نماز جمعه گفت: آمریکا هدفش گروگانها نیست، بلکه گروگانها بهانه است.

آزادی بقائی‌ها، اسارت انقلاب است

چرا رادیو به تبلیغات ضد توده‌های دامن میزند؟

دیروز رادیو بازم برنامه «ویژه‌ای» را به ناسزا و اتهام به حزب توده ایران اختصاص داد.

در شرایطی که مبین ما، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با بزرگترین توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد - انقلاب پرورده آن روبروست و مقابله با این توطئه خطرناک قبل از هر چیز بسیج و اتحاد همه نیروهای انقلابی است، می‌طلبیم، حمله به حزب توده ایران، حزبی که شجاعانه و بی‌پیکرانه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آنرا فاش می‌سازد و صدایان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کند، بچه معنی است؟ یعنی چیست؟ در خدمت کیست؟

ما جدا به پخش ناسزا و اتهام علیه حزب توده ایران آنهم از دستگاهی که خارج از آن ازیت‌المال مردم تأمین می‌شود، به شدت معتزضیم و از مسئولان امر، مصرا نه می‌خواهیم که به این تبلیغات مخرب و نفاق‌انگن پایان داده شود.

تأمین رفاه زحمتکشان یکی از هدفهای عمده انقلاب است

تواند برای نیروی مولد جامعه کار تهیه کند، تراند به دهقان آب و زمین بدهد، تراند برای میلیونها بی‌خانمان مسکن تأمین کند، تراند کالای فراوان به نرخ عادلانه متناسب با درآمد مردم در اختیار زحمتکشان محروم این مملکت بگذارد، تراند برای میلیونها خانواده طاعون‌زده ایرانی، فرهنگ و بهداشت و زندگی آبرومندانه بیافریند، تراند - آنطور که جهت‌الاسلام خانه‌ای بدرستی بهترین وظایف دولت جدید را بر شمرده‌اند - «امنیت و رفاه» را برای همه مردم تأمین کند، پیشک به مکتب صدمه خواهد رسید و انقلاب زینهای چبران- ناپذیر خواهد دید. به همین علت در روزهایی که تشکیل دولت و تدوین برنامه آن در جریان است، ما لزوم دانستیم این تذکر را به آقای نخست‌وزیر بدهیم که برنامه شما باید برنامه استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نظام ایران و در عین حال برنامه تأمین رفاه توده‌های عظیم مردم محروم ایران که رژیم طاعون آنها را به خاک سیاه فقر و مسکنت نشانداده بود، باشد - یعنی برنامه‌ای باشد مطابق با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول عدل و قسط اسلام انقلابی!

همین امیدها، آرزوها و نگرانی‌هاست که ما را امیدوارد تا هر آنچه که بسالاح انقلاب دانستیم، تذکر دهیم و به مقامات مربوطه، در اجرای وظایف بزرگ تاریخی خود، که همانا تحکیم و تثبیت جمهوری اسلامی ایران است، بقدر توانائی خود یاری‌رسانیم. در ارتباط با همین اصل است که، پس از تعمل در اطراف اظهارات چندروز پیش نخست‌وزیر، لازم دانستیم این اظهارات را مورد بررسی قرار دهیم، تا شاید به سنجگری برنامه دولتی که در حال تشکیل است کمک کرده باشیم.

ما نوشتیم که «مردم از تأخیر در معرفی دولت ننگراند». امیدواریم مجلس شورای اسلامی ایران، ریاست جمهوری و نخست‌وزیر کشورمان هر چه زودتر موفق شوند که این نهاد دیگر رژیم انقلابی، یعنی هیئت دولت را تشکیل دهند و معرفی کنند، تا گام مهم دیگری در تثبیت جمهوری اسلامی ایران برداشته شود. شرایط بسیار حساس و پر مسئولیتی که امروز کشورما و جمهوری جوان اسلامی مادران قرارداد، از همه مسئولان و زمامداران می‌طلبد که کلیه مسائل فرعی و درجه دوم و احیاناً خصوصی را کنار بگذارند و بی‌خطر حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، به حل مسائل اصلی و بنیادی و تعیین کننده بپردازند و در این راه اریح فداکاری درینخونوزند. ما امیدوار هستیم و به آینده نظام نوین کشورمان بدیده خوش‌بینی می‌نگریم.

نخست‌وزیر در گفتگو با خبرنگاری پارس گفته است: «بکسری توقعات گاذب در جامعه درست شده و ملت در انتظار است. ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است... جامعه به سرعت منتظر است تا ما مسائل رفاهی را مطرح کنیم. اما من این خط را صحیح نمی‌دانم. ما آنقدر که نگران مکتب هستیم، نگران کم و زیادی برقتال و انگور نیستیم».

در مطلب امروزی خواهیم مسئله دیگری را مطرح کنیم که، بسا تشکیل دولت مربوط است و بنظر ما یکی از حادترین مسائل مربوط به نوشتن انقلاب است، و آنهم ایجاد تحول در زندگی مادی و معنوی خلق مستضعف و محروم ایران است.

باید قبول کرد، و تجربه همه انقلابهای جهان تاکنون بدون استثناء به اثبات رسانده است که، هر انقلابی که نتواند نمرات مادی و معنوی خود را به توده‌های میلیونی مردم برساند، کارش به ناکامی می‌گردد.

در اصل مطلب که ما نگران مکتب هستیم و نباید استقلال کشور و آزادی و حیثیت و کرامت خود را به انگور و برقتال بفروشیم، با سخنان نخست‌وزیر صد درصد موافق هستیم. ولی نباید آنی فراموش کرد که اگر رژیم جمهوری نتواند کوششش را از چنگال کاشتنشان نجات دهد،

«دکیهان»، ۲ شهریور ۵۹ در اصل مطلب که ما نگران مکتب هستیم و نباید استقلال کشور و آزادی و حیثیت و کرامت خود را به انگور و برقتال بفروشیم، با سخنان نخست‌وزیر صد درصد موافق هستیم. ولی نباید آنی فراموش کرد که اگر رژیم جمهوری نتواند کوششش را از چنگال کاشتنشان نجات دهد،

بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

منافع انقلاب، نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول اخلاقی می طلبد که بید رنگ خانه حزب توده ایران و دفتر نامه «مردم» به حزب توده ایران مسترد گردد

هفته هاست که دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و محل دفتر «نامه مردم» در تهران و سازمانهای حزب در شهرستانها در اشغال غیرقانونی قرار دارد و علیرغم اظهارات و نظرات عالی ترین مقامات پارلمانی، دولتی و قضائی کشور درباره لزوم آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی صدیق به انقلاب در چارچوب قانون اساسی، هنوز خانه حزب و دفتر روزنامه ما را به ما پس ندادند.

اشغال خانه حزب و دفتر روزنامه ما در شرایط انجام گرفته که، انقلاب شکوهمند ایران حساسترین و سرنوشت سازترین مراحل خود را طی میکند. سرتاسر دنیای شیاطین، بسرگردگی شیطان بزرگ آمریکا، نیروی اهریمنی خود را علیه انقلاب ایران بسیج کرده، تا در لحظه مساعد، با وارد کردن ضربی متمرکز، جمهوری اسلامی ایران را نابود سازد و ایران را زیر سلطه جنسی خود بازگرداند. برای رویارویی با این خطر عظیم و پیروزی بر دشمن و حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از هر خطری، باید تمام نیروها در یک صف خنک ناپذیر، در یک سنگر واحد و متحد و منسجم، زیر رهبری

چشم بیدار و کوشش هشیار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محسوب داشته و در حدود امکانات خود این نقش افتخار آفرین را اجرا کرده است. و در همه این مسائل، ما بر کسی متکی نمیکردیم. ما بوظیفه انقلابی خود عمل کرده ایم و بندهای وجدان خود این راه را برگزیده ایم و بدون خستگی و یا رنجی کدی از بی سبری دوستان انقلاب، آنها را قاطعیت ادامه خواهیم داد.

اطمینان داریم که خواننده عزیز وضع ما را بخوبی درک میکند. اگر دشمن این کار را با ما کرده بود، که برای ما و همگان مضموم بود. درد دل ما و رنج معنوی ما از اینست که، اشغال خانه حزب و روزنامه ما بعنوان «مامور دوست» انجام گرفته است، و هفته هاست که این اشغال ادامه دارد. تاسف و حیرت عمیق، از اینست که، علیرغم سخنان صریح امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که نباید «مثل جنگل» با هم رفتار کنیم و با وجود اظهارات روشن عالی ترین مقامات کشور در مورد تأمین فعالیت آزادانه گروههای سیاسی در چارچوب قانون اساسی، یکی از بزرگترین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره ضرورت آزادی

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران باید شایسته انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، در جمع کارکنان روزنامه اطلاعات سخنانی ایراد کردند که نه تنها برای کارکنان مطبوعات، رادیو تلویزیون، دیگر وسائل ارتباط جمعی، بلکه برای همه اجتماع ما از لحاظ تأثیر آموزش و پرورش نسل جوان، تہذیب اخلاق و نیکان و اصلاح جامعه اهمیت بسزائی دارد.

البته امروز کمتر کسیست که از نقش موثر رسانه های گروهی در جامعه بی خبر باشد. اما صحبت فقط بر سر درجه اهمیت این نقش و میزان تأثیر آن نیست، بر سر چگونگی آنست. بطوریکه رهبر انقلاب متذکر شدند، رسانه های گروهی میتوانند از طریق ترویج فساد (دروغ پردازی، تحریف حقایق، بزرگ جلوه دادن و مبالغه در جزئیات و کوچک قلنداد کردن مسائل مهم، خلط مبحث و غیره) افکار عمومی را بفریبند، تربیت نسل جوان و بالاخره وضع عمومی را به تباهی بکشانند، چنانکه در زمان طاغوت، خصوصاً در طرف پنجاه و چند سال آخر، کردند. برعکس، «اگر مطبوعات متحول بشود و انسانها... متحول میشود و سدهاست» آنوقت است که از تربیت نسل جوان، در تشکیل درست افکار عمومی نقش سازنده مثبتی ایفا کرده، به اصلاح جامعه کمک موثر میکند.

ببینیم رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران چگونه این نقش خود را در عمل ایفا میکنند. برای مثال لازم نیست به گذشته دور مراجعه کنیم. امپریالیسم آمریکا کشور تا بلند را (مانند ایران در زمان طاغوت) از باصلاح مستشاران نظامی و انواع سلاحهای تهاجمی پر کرده و به پایگاه توطئه، تحریک، خرابکاری و تجاوز علیه کشورهای پیشروی جنوب خاوری آسیا (ویتنام، لائوس، کامبوجیا...) تبدیل کرده است. اما اکثر مطبوعات و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از منابع اطلاعاتی امپریالیستی، اغلب و با کمال بی پروائی، ویتنام سوسیالیستی را، که با قهرمانی کم نظیر در تاریخ، پیروز مندانده رودر روی امپریالیسم جهانخواه آمریکا ایستاده و از انقلاب شکوهمند مردم ایران و رهبری امام خمینی همواره پشتیبانی و تجلیل کرده است، در رویدادهای مرزی تا بلند و کامبوجیا «مقتصر» قلمداد میکنند! امپریالیسم جهانخواه آمریکا هم اکنون سومالی را (در مقابل ۴۰ میلیون دلار، که به رژیم سیانباره پرداخته) به پایگاه نظامی خود در غرب اقیانوس هند تبدیل کرده و بندر بربرا را (بهمراه جزایر دیکوگاریا در اقیانوس هند و مسیر در ساحل عمان، در راس «ملت استراتژیک») بویژه علیه رژیم سیانباره اراضی سومالی را به پایگاه تحریک، توطئه و تجاوز علیه آفریقای انقلابی تبدیل کرده است. اما رسانه های گروهی ایران با استناد به منابع اطلاعاتی امپریالیستی، جمهوری اتیوپی را (که مرزهای در نتیجه مبارزات طولانی علیه امپریالیسم و رژیم طاغوتی امپراطوری، استقلال خود را بدست آورده اند و از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند) مورد حمله قرار میدهند! چند روز پیش خبر رسید که انور سادات خیانت پیشه، پایگاه دریایی بندر راس بناس (در ساحل دریای سرخ) را در اختیار

و از این جالبتر آنکه، در پایان خبر، روزنامه خود، به خط درشت تر، سعی دارد این عمل رژیم خیانت پیشه و خود فروخته سادات، نوکر امپریالیسم آمریکا و همدست سبویسیم را، با «مداخله شوروی در افغانستان» تیره کند. ۱...

امپریالیسم آمریکا کشور تا بلند را (مانند ایران در زمان طاغوت) از باصلاح مستشاران نظامی و انواع سلاحهای تهاجمی پر کرده و به پایگاه توطئه، تحریک، خرابکاری و تجاوز علیه کشورهای پیشروی جنوب خاوری آسیا (ویتنام، لائوس، کامبوجیا...) تبدیل کرده است. اما اکثر مطبوعات و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از منابع اطلاعاتی امپریالیستی، اغلب و با کمال بی پروائی، ویتنام سوسیالیستی را، که با قهرمانی کم نظیر در تاریخ، پیروز مندانده رودر روی امپریالیسم جهانخواه آمریکا ایستاده و از انقلاب شکوهمند مردم ایران و رهبری امام خمینی همواره پشتیبانی و تجلیل کرده است، در رویدادهای مرزی تا بلند و کامبوجیا «مقتصر» قلمداد میکنند! امپریالیسم جهانخواه آمریکا هم اکنون سومالی را (در مقابل ۴۰ میلیون دلار، که به رژیم سیانباره پرداخته) به پایگاه نظامی خود در غرب اقیانوس هند تبدیل کرده و بندر بربرا را (بهمراه جزایر دیکوگاریا در اقیانوس هند و مسیر در ساحل عمان، در راس «ملت استراتژیک») بویژه علیه رژیم سیانباره اراضی سومالی را به پایگاه تحریک، توطئه و تجاوز علیه آفریقای انقلابی تبدیل کرده است. اما رسانه های گروهی ایران با استناد به منابع اطلاعاتی امپریالیستی، جمهوری اتیوپی را (که مرزهای در نتیجه مبارزات طولانی علیه امپریالیسم و رژیم طاغوتی امپراطوری، استقلال خود را بدست آورده اند و از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند) مورد حمله قرار میدهند! چند روز پیش خبر رسید که انور سادات خیانت پیشه، پایگاه دریایی بندر راس بناس (در ساحل دریای سرخ) را در اختیار

چنانکه دیدیم، نتیجه نهائی آن (علیرغم همه تلاشهای رژیم خون-آشام طاغوت) قیام پیروز خلق علیه آن رژیم دست نشانده امپریالیسم، سرکوتوسی آن و ضرب زدن به تسلط امپریالیسم بود، زیرا چنانکه گفته اند: یک نفر را برای همیشه و همه را برای مدتی کوتاه میتوان فریفت، لیکن همه را برای همیشه نمیتوان فریب داد.

مردم رزمنده ایران در خط ضدامپریالیستی و خلقی اهمیت خمنی قیام کردند و پیروز شدند. آنها عزم راسخ دارند در خط ضدامپریالیستی و خلقی اهمیت خمنی، انقلاب شکوهمند خود را به پیروزی قطعی و نهائی برسانند. چنان رسانه های گروهی شایستگی جمهوری اسلامی ایران را دارند که در این خط ضدامپریالیستی و خلقی و بیای مردم رزمنده پیش روند.

یکی از شهود دادگاه ویژه فاجعه سینما رکس گفت: بعضی از کسانی هم که از سینما خارج شده اند، توسط ساواک کشته شده اند

در ادامه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبدان، که در روز جمعه ۷ شهریور به تشکیل گردید، نکات تازه ای از این فاجعه فاش شد.

در این جلسه دادگاه، یکی از شهود، که خود شب حادثه شاهد آتش سوزی بود گفت: «هنگامی که به تنهایی برای خاموش کردن آتش سان انتظار سینما، که در آتش می سوخت، از بلکن بالا رفته و قسمتهائی از سان انتظار را خموش کردم، که ناگهان شش محکم به سر من اصابت کرد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی چشم بزم کردم، خودم را در بیمارستان یافتم. هنگامی که در بیمارستان بودم، پس از مدتی چند ماهوسهریانی به بیمارستان آمده و مرا با خود به شهر بانی برده و مورد بازجویی قرار دادند.»

او سپس ادامه داد: «ممکن است بعضی از کسانی که از سینما خارج شده اند نیز توسط ساواک و ماموران دیگر کشته و دفن شده باشند، خود من شب بعد از حادثه در گورستان بودم و گروگی را که لباس شخصی و لباس ماموران ژاندارمری به تن داشتند، دیدم که سه جسد را به گورستان آورده و در حالی که درون بزرگی ای ریخته بودند، دفن کردند.»

در ادامه شهادت شهود، محمد بذرکار، برادر فرج بذرکار، یکی از عاملان فاجعه، که در سینما سوخته است، در جایگاه حضور یافت. او گفت: انقلاب ایران بعد می آوردند، دولت شوروی مانند سابق به سیاست لنینیستی خود وفادار بوده و خواستار ابراز احترام کامل به حق ملت ایران برای تعیین مستقل سرنوشت و رعایت حق حاکمیت ملی و حفظ تمامیت ارضی ایران است و بامداخله

دولت شوروی دوست و متحد وفادار مردم ایران در مبارزه برای آزادی و استقلال ملی است

دشمن و یکسال پیش، ۲۸ اوت سال ۱۹۱۹ (۶ شهریور ۱۲۹۸) دولت شوروی پیامی خطاب بکارکنان و دهقانان ایران انتشار داد. در این سند موضع اصولی کنونی شوروی در مورد ساخت و پاخت امپریالیسم انکلیس و زمامداران ارتجاعی ایران، که سه هفته پیش از آن قراردادی را امضاء کرده بودند، که کاملاً به زبان ایران بود و جنبه اسارت بار داشت، تشریح شده بود.

دولت شوروی در پیام خود میتواند کارکنان و دهقانان ایران سیاست ددمتانه امپریالیسم انکلیس را، که تلاش میکرد سلطه کامل خود را بر ایران برقرار سازد، فاش کرد.

در این پیام تأکید شده بود که کار تئیف اختناق آزادی ملت ایران، با همدستی مستقیم زمامداران مزدور ایران انجام میگردد. در پیام گفته شده بود مردم ایران اکنون از ردیف ملت های آزاد اخراج شده و زمامداران ظالم و ستمگر ایران از انکلیس پول می گیرند و کاملاً به نو تران انکلیس تبدیل میشوند، که از ان مزد دریافت می کنند.

روشن است که دولت شوروی، که از نخستین روزهای موجودیت خود سیاست دوستی و حسن همجواری را در مورد مردم ایران دنبال می کرد و از ارمانهای آزادیخواهان آنان کاملاً پشتیبانی مینمود، نمیتوانست در مقابل خطر جدید انقیاد ایران از سوی اجنبیان بی تفاوت بماند و هیچ عکس العملی از خود نشان ندهد.

در پیام دولت شوروی گفته شده بود، در آن موقع که ددان فاجعه انکلیسی تلاش می کنند طوق انقیاد کامل را به گردن ملت ایران بیندازند، دولت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه رسماً اعلام میدارد که قرارداد انکلیس و ایران را، که انقیاد ایران بموجب آن صورت میگردد، برسمیت نمی شناسد. میدانیم که دولت ایران زیر فشار جنبش ضدامپریالیستی، که در کشور آغاز شده بود، ناچار قرارداد اسارت بار انکلیس و ایران را فاش

و قی در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران در معرض خطر جدی ناشی از تجاوز آمریکا قرار گرفت، اتحاد شوروی به طرفداران سیاست گذائی زور و اجحاف با قاطعیت هشدار داد. اتحاد شوروی با صراحت اعلام کرد که هرگونه مداخله از خارج در امور داخلی مردم ایران غیر مجاز است. اکنون که امپریالیسم و نوکران آن تلاشهای تازه ای برای اختناق

آزادی بقائی‌ها، اسارت انقلاب است

بقائی جنایتکار باید دستگیر و محاکمه گردد و برای کشف شبکه‌های توطئه امپریالیسم آمریکا مورد بازجویی قرار گیرد

که با ما موران سفارت تماس‌های مخفی داشته‌است. این تماس‌ها گاهی در اواخر شب، با استار کامل و مذاکرات در ماشین جاسوس آمریکائی صورت می‌گرفته است و گاهی تماسها در مهمانی‌های خصوصی همراه با صرف مشروبات الکلی بوده‌است. تماسها نه تنها با خود بقائی، بلکه با همکاران وی نیز بوده است. (نظیر زهری) ...

به موجب این اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقائی و گروهش همیشه طرفدار شاه و خواستار ابقای وی بوده‌اند. گروه بقائی هرگز خواستار لغو سلطنت نبوده‌است بلکه با اصرار در تعدیل روش شاه همیشه وفاداری خود را به شاه و اعتقادشان را به سلطنت نشان داده‌اند.

به موجب همین اسناد و سایر اسناد و شواهد، بقائی و یارانش از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و تشدید اختلاف میان مرحوم حضرت آیت‌الله گاشانی و دکتر مصدق بوده‌اند و همه شاهد بودیم که این اختلافات چه فاجعه‌ای که برای ملت ایران بوجود نیاید!

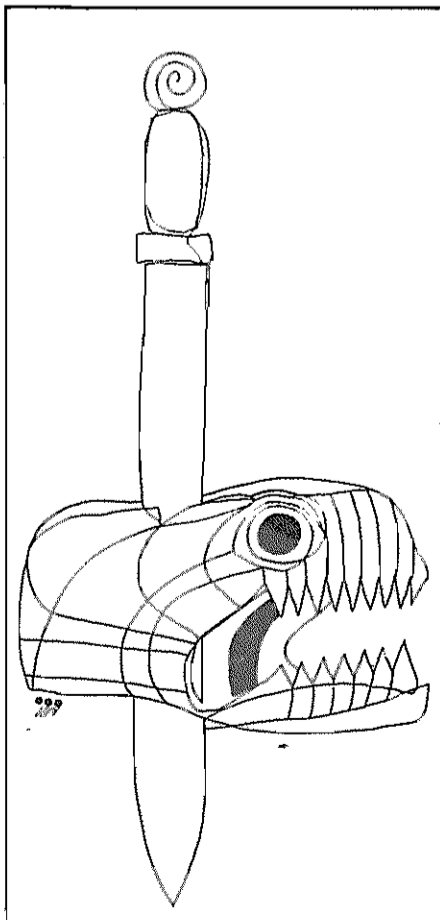
تمام آنچه که آقای دکتریزدی، با استناد به سندهای دانشجویان* مسلمان بیروخط امام، در مورد بقائی گفته است، بارها توسط حزب توده ایران اعلام گردیده است. حزب ما از توطئه‌های پنهان و آشکار این جنایتکار، چه در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد و چه از توطئه‌ها و خرابکاری‌های اویس از انقلاب، پرده برداشته و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را از فعالیت‌های ضد انقلابی او آگاه کرده است.

بنا به اطلاعات موثقی که ما داریم و در شماره‌های گذشته نامه "مردم" نیز از آنها یاد کرده‌ایم پس از انقلاب بهمن ماه، بقائی فعالیت توطئه‌گرانه و ضدانقلابی خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از سر گرفته است و همانند گذشته به بسیج دسته‌های اوباش و حامقان مغول است، تا با بوجود آوردن بلوا و آشوب و ایجاد محیط رعب و وحشت و ناامنی زمینه را برای کودتا آماده کند. مظفر بقائی در فروردین ماه اسفند، ۱۲ روز با تیمسار مهدیون معدوم، سازماندهنده توطئه کودتای خائنانه ۲۸ تیرماه، که یکی از دوستان نزدیک بقائی بود، ملاقات داشته است.

مهمانی "کنک بادمجان" بقائی در جنگل "قائمیه" کرمان، که با حضور سرمایه‌داران و مالکان بزرگ کرمان و عوامل منحوس امپریالیسم و رژیم گذشته و ساواک، همزمان با اجرای توطئه کودتا، تدارک دیده شده بود، مؤید توطئه‌گریها و فعالیت ضدانقلابی او است.

بقائی جاسوس و جنایتکار باید دستگیر و محاکمه شود و بسزای جنایاتی که انجام داده است، برسد. باید همزمان با سرکوب شبکه نظامی کودتا، شبکه سیاسی آنرا نیز کشف و نابود کرد، تا زمینه دیگر کودتاها از میان برود. با دستگیری و بازجویی از بقائی، قطعا می‌توان اطلاعات مهمی در ارتباط با توطئه کودتای اخیر بدست آورد این امر به کشف شبکه‌های توطئه، کمک بسیار خواهد کرد.

آزادی توطئه‌گرانی همچون بقائی‌ها، خطرات جدی برای انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت و دستهایی که در جهت آزادی بقائی‌ها تلاش می‌کنند، بیشک لطامت جدی بر انقلاب ایران وارد خواهند ساخت.



کیش توطئه‌گران ضدانقلابی مرگ است

پیروزی مصدق با همکاری ستون پنجم استعمار

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه ترین یورشهای خائنانه است

مردم آزربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشگاه افسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

میرزا میرزا میخو اهدا استقلال و مشروطیت را منهدم سازند اما اینهم آرزوست میانه کبیر گوی حزب توده و شعار نیروی مردم و جبه آزادی

میدان نظر است

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه ترین یورشهای خائنانه است

مردم آزربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشگاه افسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه ترین یورشهای خائنانه است

مردم آزربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشگاه افسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

میرزا میرزا میخو اهدا استقلال و مشروطیت را منهدم سازند اما اینهم آرزوست میانه کبیر گوی حزب توده و شعار نیروی مردم و جبه آزادی

میدان نظر است

مردم ایران، استقلال و آزادی شما، مشروطیت و قومیت شما، در معرض وحشیانه ترین یورشهای خائنانه است

مردم آزربایجان و ایل شامسون بر علیه حکومت غیر قانونی دکتر مصدق قیام نمودند

دانشگاه افسری بعنوان اعتراض به دولت غیر قانونی اعتصاب غذا کردند

ننگ و فترت بر حکومتی که بنیان استقلال میهن ما را زلزل کرده است.

مصدق و آیت الله کاشانی بویژه به حزب توده ایران جلوگیری می‌کند. بس از آن، بقائی با طرح ریزی و شرکت در قتل افشارطوس، رئیس شهرانی منتخب مصدق، و بوجود آوردن محیط ترور و ناامنی در جامعه، زمینه را برای کودتای خائنانه ۲۸ مرداد آماده می‌کند، و روز پس از کودتای آمریکائی - درباری در روزنامه "ساهد این کودتا را" قیام مردم علیه حکومت مصدق اعلام می‌کند. به این ترتیب ماموریت بقائی در این مرحله خاتمه می‌پذیرد. در سال ۱۳۴۵، بقائی در دادگاه به صراحت به وظیفه‌های که در آن سالها عهده دار آن بوده، اعتراف می‌کند و می‌گوید: "هیچکس بقدر من و دوستانم در ایران برضد انقلاب مبارزه نکرده است."

آقای دکتریزدی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون تحقیق مجلس، در مقاله "روزنامه کیهان" ۵ مردادماه ۵۹، بر اساس اسنادی که دانشجویان مسلمان بیروخط امام در مورد جاسوسی و جنایت‌های دکتر بقائی و حزب زحمتکشان در اختیار این کمیسیون قرار دادند، می‌نویسد:

"به موجب اسنادی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اختیار کمیسیون تحقیق گذاشتند، آقای بقائی و برخی از یارانش از سالهای ۱۳۲۹ و ۳۰ با جاسوسان سفارت آمریکا در تماس بودند. این تماسها تا حدود سالهای ۱۳۵۰ نیز ادامه داشته است. به موجب این اسناد، بقائی مردی است فوق‌العاده جاهل، طلب، طرفدار آمریکا، معتاد به الکل و اودیو (مخدر گواکائین)،

پذیراست و حزب هم همه می‌دانند، بدون پول محال است رشد و توسعه پیدا کند. یا باید اشخاص مقتدری دست به کار تاسیس حزب شوند تا مردم به قصد استفاده از نفوذ و قدرت برای انجام حواجی دنیوی خود مراجعه نمایند، یا پول نقد به حد کافی در اختیار باشد تا بتوانند پهلوانان روئین تن جوانی را به عضویت درآورده، با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نموده و در تظاهرات چشم دشمن را ترسانیده و در مصاف با چاقو و چوب و سنگ آنان را از میدان بدرکرد!"

در این گفتگوی خصوصی با جاسوسان آمریکائی، بقائی به صراحت هدف از تشکیل حزب زحمتکشان را، که به خدمت در آوردن مزدورانی است که باید "با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نمود" و با چاقو و چوب و سنگ بتوانند "بیگانه پرستان" را از میدان بدرکنند، توضیح می‌دهد. به این ترتیب سیمان بی‌مخ‌ها برای اجرای کودتای ۲۸ مرداد تربیت می‌شوند.

این گفتگو به روشنی نشان می‌دهد که چگونه بقائی با همکاری جاسوسان آمریکائی و با کمک مادی سازمان جاسوسی "سیا" بنای حزب زحمتکشان را می‌گذارد.

پس از تشکیل حزب زحمتکشان، بقائی بطور بی‌گبر علیه جنبش ملی مردم ایران به توطئه‌جینی و تحریک دست می‌زند. او از سوئی با تیره‌کردن روابط میان آیت الله کاشانی و دکتر مصدق، باعث بوجود آمدن نفاق میان نیروهای هوادار مصدق و نیروهای مبارز مذهبی می‌شود و از طرف دیگر با طرح کردن اسفانه "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" از نزدیک شدن نیروهای هوادار دکتر

دوروز پس از کشف و خنثی شدن توطئه بدتای خائنانه ۱۸ تیرماه، دکتر مظفر بقائی زمانی، رهبر "حزب زحمتکشان ایران"، به همراه عده‌ای از عوامل امپریالیسم آمریکا و رژیم نفور گذشته و ساواکی‌ها، که به بهانه مهمانی کنک بادمجان، در جنگل "قائمیه" کرمان گردیده بودند، توسط ماموران ساه ناسداران رمان دستگیر شدند.

از جمله چهره‌های سرشناسی که در این مهمانی شرکت داشتند، محمدی، بدر زن، تیمسار مهدیون معدوم و رهبر کودتای خائنانه "خبر، علی اصغر مظفری، نماینده سرسره" مجلس شاه سابق، نورائی، معاون سابق مجیدی، سازمان برنامه و بودجه، دکتر ناصر، رئیس سابق شیروخورشید سرخ، که به بدنامی مشهور است، احمد ارجمند و هوشنگ ارجمند از سرمایه داران و مالکان بزرگ کرمان و صاحب قالبی‌فیهای عمده کرمان، بودند، که همگی به همراه مظفر بقائی دستگیر شدند. ولی متأسفانه همه این افراد پس از مدتی از زندان آزاد می‌شوند و اکنون آزادانه به اعمال توطئه‌گرانه‌شان علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهند.

مظفر بقائی چهره ناساخته‌ای برای مردم ایران نیست. جنایات و خیانت‌هایی که او در طول جنبش ملی مردم ایران انجام داده، بر هیچکس پوشیده نیست. بقائی همزمان با آغاز گسترش نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران پایه عرصه سیاست ایران نهاد و از همان ابتدا لحظه‌ای در آستان بوسی دربار شاه سابق و خدمت به ارباب بزرگ خود، یعنی امپریالیسم آمریکا غفلت نکرد.

بقائی همواره می‌کوشید که راه را برای نفوذ امپریالیسم آمریکا در ایران هموار کند. او در روزنامه "ساهد"، مورخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۲۸، می‌نویسد:

"همان طور که من چندین دفعه در مجلس تذکر داده‌ام، با اذعان به این که در دنیا امروز بی‌طرفی ممکن نیست، نمی‌بایستی موقعیت سیاسی خود را مفت از دست بدهیم." (یعنی با آمریکا همکاری کنیم)

و زمانیکه آمریکا از دادن کمک به ایران ظفره بی‌رود، بقائی، می‌نویسد:

"تا چشم ما گور شود (!) بهانه‌هایی که آمریکا بی‌آورد، منطقی است (!) ما چه بدی از آمریکا دیدیم (!)" (شاهد ۲۷ شهریور ۱۳۲۸)

این "بهانه‌های منطقی" آمریکا چیزی جز به جنگ آوردن مستقنی از امتیاز استعماری نفت بران نبود و البته که این "بهانه" از نظر عامل است نشانه‌های همچون بقائی باید "منطقی" باشد.

بقائی پس از توطئه و بورس و حسبان، ارنجاع داخلی و امپریالیسم جهانی به آزادی‌ها در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، که موجب غیرت‌انونی شدن حزب بوده ایران و سایر سازمانهای مترقی و دموکراتیک دستگیری و تبعید آیت الله کاشانی شد، در مجلس بی‌گوبید:

"در اثر حوادث ۱۵ بهمن، که به حد الله و به جوری چشم دشمنان ایران، به گوری چشم کسانی که می‌خواستند ایران بی‌سرپرست و بی‌پدر شود، به خیر و خوشی خاتمه پیدا کرد و خداوند پادشاه محبوب ما را حفظ فرمود." (استیضاح مکی، بقائی طائری زاده در مجلس نازدهم)

پس از بوجود آمدن زمینه‌های گسترش فعالیت امپریالیسم آمریکا در ایران، مظفر بقائی، به اشاره ربایان خود و کمک سازمان جاسوسی "سیا"، دست به تشکیل حزب به اصطلاح زحمتکشان ایران زد. هدف او، یا بهتر بگفته شود، هدف امپریالیسم آمریکا از بوجود آوردن حنین حزبی از پیش معلوم بود. احمد ملکی، یکی از همالکی‌های بقائی، در کتاب "تاریخچه جبهه ملی" جریان تشکیل این حزب را از زبان بقائی، که در جریان ملاقات با آقای دیشر، وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا طرح شد، به این ترتیب بیان می‌کند:

"آقای دکتر بقائی که به زبان فرانسه با خانم قای دیشر سرگرم صحبت و از مشکلات کار و رفتاریهای روزنامه خود که حتی برای آزادی فدام به افتراق با همسر خود نموده‌اند، مذاکره می‌کردند، در این جلسه توضیحاتی در اطراف کار با نیروزی خود داده و متذکر شدند. خلاصه این طور نتیجه گرفتند که ... سازمان بای مبارزه با حزب توده از داشتن هر نوع اعتباری محروم و جراید خد توده هم با سرمایه‌های لیل شخصی اداره می‌شود ...

با این وضع چگونه ممکن است در مقابل بیلیغات حاد و شدید حزب توده قد علم کرد و بارزه نمود؟ ...

خلاصه دکتر بقائی ثابت کرد اصلاح این امور قط در سایه ایجاد یک حزب قوی و مترقی امکان

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

واحد حزبی در کارخانه تراکتورسازی تبریز، وابسته به کمیته شهری تبریز.

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان :

هشدار به کارکنان تراکتورسازی تبریز

دوستان عزیز!

میپنمان روزهای بسیار حساسی را میگذرانیم. فتنه انقلاب از داخل و خارج بیوقفه در حال تدارک توطئه‌های همه‌جانبه‌ای علیه انقلاب بزرگ میپنمان است. اکنون ما شدیداً توسط امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، در محاصره اقتصادی هستیم. از سوئی تعداد ناوگان‌های آمریکائی حامل تجهیزات سنگین ضربتی و تکنسینان دریائی لحظه به لحظه پست مرزهای ایران جهت تجاوزآماده میشوند. از سوی دیگر جلدان دست‌پرورده آمریکائی نظیر بختیارها، پالیزبانها، اوسرها و اشرف فاسد پسا پشتیبانی رژیم بعثی عراق با واسطه‌گری رژیمهای دست نشانده مصر و پاکستان و اسرائیل... تمام‌توان خود را برای وارد آوردن ضربه کاری بر یکر انقلاب شکوهمند میپنمان بسیج کرده‌اند و در کمین نشسته‌اند.

امپریالیسم جهانخواه آمریکای باکمهک ایادی خود - فروخته داخلی، یعنی عوامل وابسته به رژیم سرنگون‌شده، ساواکی‌ها، سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان می‌کوشند با برجمته کردن نارسائی‌های موجود و ایجاد اغتشاش و تشنج به نفع اهداف خسوف بهره‌گیرند. در این میان نباید از نقش تخریبی و نفاق‌افکنانه چپ‌مایان غافل گردید. همانگونه که میدانیم، هر انقلابی مشکلات و مسائل گوناگونی در پی دارد. متأسفانه در کشور ما بعثت تسلط طولانی، عمیق و همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا و رخنه لیبرال‌ها پس از انقلاب در نهادهای انقلابی، اشغال پست - های حساس در ارگانهای دولتی، به گفته امام خمینی، انقلاب نتوانست چنانکه باید و شاید وظایف خود را به انجام رساند.

متأسفانه در یکی دو هفته اخیر تصمیمات نسنجیده بعضی از مسئولین که بدون توجه به خواست‌های کارگران و کارکنان اتخاذ شده، موجبات نارضایتی و اعتراض کارگران رافراهم ساخته است. هنرمان با این تصمیمات مسئولین کارخانه تراکتورسازی تبریز، که بطور نسنجیده و بدون نظرخواهی از کارگران و کارمندان صورت گرفت، باعث تشدید نارضایتی گردید. بسویژه اقدام نادرست هیئت پاکسازی در مورد اخراج چند تن از مبارزین کارخانه به این نارضایتی دامن زده و موجب بوجود آمدن تشنجات روز دوشنبه گسردید و آشکارا دیدیم، گسه چگونه ضد انقلابیون، ساواکیها، خلق

مسلمانی‌ها، عوامل بختیار و مانویست‌های رنگارنگ، در دامن زدن به این تشنج فعالانه شرکت کردند. ما در این روز کوشیدیم با شرکت خود در صف اعتراض کنندگان، که خواستهای مشروعی داشتند، از تأثیر سوء عوامل توطئه‌گر جلوگیری کنیم، ولی متأسفانه جو حاکم چنین اجازه‌ای نداد و آن شد که نمی‌باید.

البته، ما از اقدامات مثبت هیئت پاکسازی در مورد تصفیه و پاکسازی عناصر ساواکی و ضد انقلاب و وابسته به رژیم سرنگون شده کاملاً حمایت کرده و می‌کنیم. دوستان عزیز! اعتصاب تشبیه‌شده مبارزه صنفی و طبقاتی نیست، بلکه شیوه مبارزه در هر مرحله را باید با توجه به کلیه شرایط تعیین نمود. ما در لحظه حساس کنونی که تشنج شده، اتخاذ این شیوه مبارزه رانادرست و ضربه‌زننده به انقلاب و موجودیت کشور مسی‌دانیم و معتقدیم که باید با انتخاب نمایندگان مورداعتماد و از طریق مذاکره با مقامات مسئول مسائل صنفی و مشکلات کارخانه را حل نمود. به اعتقاد ما، مسائل صنفی کارخانه از قبیل ساعات کار، تعطیلی روز پنجشنبه، سودویزه، مسئله کانتین و... پایستی توسط شورا، سندیکا و نمایندگان واقعی کارکنان کارخانه تراکتورسازی تبریز حل و فصل گردد.

دوستان عزیز! سازندگی انقلاب و رفع مشکلات نیاز به محیطی آرام و خالی از تشنج دارد. ضد انقلاب بانام قوا سعید در تشنج آفرینی و بهره‌گیری از نارضایتی برای ایجاد اغتشاش دارد. باید هشیار بود که در لحظات حساس کنونی، هر عملی که موجب ایجاد درگیری و تشنج باشد، خواه‌ناخواه به نفع دشمنان انقلاب تمام خواهد شد. وظیفه تمام‌مبارزین مومن به انقلاب است که در این لحظات سرنوشت‌ساز با هشیاری تمام سعی نمایند که بهانه بدست ضدانقلاب‌دهندگان و با تمام قوا در افساء ضدانقلاب بکوشند. ما باز هم تأکید می‌کنیم که نباید در لحظات حساس کنونی هیچگونه بهانه بدست ضدانقلاب داد! ما باید هوشیار باشیم و در مقابل مشکلات شکیبائی خود را حفظ نماییم!

واحد حزبی در کارخانه تراکتورسازی تبریز وابسته به کمیته شهری تبریز فرقه دمکرات آذربایجان سازمان ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان ۱۳۵۹/۳/۳۰

اخبار کارگری

دریافت وام مسکن حق قانونی کارگران شهپرک اکباتان است

جندی پیش کارگران شرکت تعاونی مسکن (سپرک اکباتان) ضمن نامه‌ای، از وزارت مسکن و شهرسازی تقاضا کردند که، وام مسکن در اختیار آنان گذارده شود.

معاون فنی وزارت مسکن طی نامه‌ای مخالفت خود را با تقاضای کارگران اعلام داشت. در این نامه ذکر شده بود که وام مسکن فقط به کارخانجات تولیدی و نایب و صنعتی تعلق می‌گیرد، و چون سپرک اکباتان فاقد این ضوابط است، بنابراین وام به آنها داده نمی‌شود.

به دنبال این نامه، شرکت تعاونی مسکن دو نامه برای وزیرمسکن ارسال داشت. در یک نامه خواهان برداشت فوری وام مسکن شده بود. برای روشن شدن مسئله و جهت اطلاع مقامات وزارت مسکن، نامه دیگری ازطرف کارگران سپرک اکباتان به وزارت مسکن و شهرسازی ارسال شد، که کارگران خود را برای گرفتن وام مسکن و زمین کاملاً محق می‌دانند. دلایل آنها ازجمله عارضند از:

- ۱- درنامه وزارت مسکن به کارگران سپرک اکباتان، هیچ ممنوعیتی درمورد سرک‌های تعاونی کارگری ذکر نشده است.
- ۲- شرکت نوسازی و عمران بهران (سپرک اکباتان) بابودجه و مدیریت دولتی، که تحت سرپرستی آن وزارت است، اداره می‌شود و ارباب بابت با سایر سرکتهای ساختمانی مطاب دارد.
- ۳- بانوجه به اسکه ازسرور بروره اکباتان تا بحال (حدود پنج سال) فقط هزارواحد از کل بروره، که شامل ناندره هزارواحد است، بحویل شده است، چه با سسم مدیریت و برنامه‌ریزی

اطلاعیه نمایندگان کارگران صنایع نفت و گاز، پتروشیمی

درباره جلسات عقد پیمان

بدنام خدا - ماتاکی باید مواخه با این چهره‌های افسرده‌باشیم. ملت ایران ساکی بایدمنتظر باشد که شماها از آن کرمان‌ریهایی که می‌گوئید در ادارات داریم، بیرون بیائید.

از فرمانات امام خمینی در دیدار با مخلولین انقلاب

ما نمایندگان کارگران شرکت کننده درجلسات عقده‌بیمان جمعی سال ۱۳۵۹، که درصنعت نفت تعیین کننده روابط بین کارگر و کارفرما برای مدت معین است، که دعوت رسمی وزارت نفت در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۳۰ درنهران جمع شده‌ایم پس از حدودیک ماه تلاش و سرگردانی و تسکیل جلسات متعددی که با مسئولان وزارت نفت و کارداشتم، بدون نتیجه مثبت مجبور شدیم که به ریاست جمهوری همسراجه کنیم و بعد از مذاکرات ونسبت های مکرر که در دفتر رئیس جمهور با مشاورین صنعتی آقای رئیس جمهور (آقایان، زنجانی وجعفری، پیرحسینی وغضنفرپور) داشتیم، با زهم نتیجه‌ای گرفته نشد. آیا وزیرنفت با سلب مسئولیت از خود عملاً دعوت وزارت نفت از نمایندگان برای بیمان جمعی را با امتناع از قبول خواست های به حق کارگران تبدیل به زمینه‌ای برای تبلیغ خدا انقلاب کرده؟ آیا مسئولین هم به اندازه کارگران با هشیاری و دلسوزانه به انقلاب و مسائل آن برخورد می‌کنند؟

مسکلاتی که ما داریم ناشی از رژیم گذشته و سرسبده امپریالیسم است، که در اثر برخوردنا درست به آن ها و نبودن روش جدی در جهت رفع آنها، هر روز تشدید می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولین وزارت کارونفت و همچنین دفتر ریاست جمهوری تلاش دارند که مسئولیت جوابگوئی به خواستهای ما را هر یک به کردن ارکان دیگری بیاندازند و بالاخره پس از یک ماه لائتکلیفی حدود ۶۵ نفر از نمایندگان سراسری صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، هیچ مقامی حاضر نشد در خواستهای ما را بپذیرد و به آن پاسخ مساعده دهد. ما بدین وسیله به روش وزارت نفت،

اخراج بی دلیل کارگران پهسود انقلاب نیست

چندی پیش سرپرست واحد حفاری جهاد سازندگی، بدون مشورت با شورای کارگران، حکم اخراج دوتن از کارگران را بدون هیچ دلیلی صادر کرد. این عمل او با اعتراض شدید کارگران مواجه شده است.

کارگران اخراجی، به شهادت همکاران خود، همواره با نهایت جدیت کار خود را انجام میدادند و هیچ بهانه‌ای برای اخراج آنها در دست نبوده است. ناگفته نماند که این کارگران با اظهار نظر صریح و مثبت شورای کارگران استخدام شده بودند.

کارگران از مقامات مسئول میخوانند که کارگران اخراجی را هر چه زودتر به سرکار برگردانند، تا ضد انقلاب نتواند از جو متشنج در آن واحد سوءاستفاده کند.

قبل و چه با سیستم فعلی، کارگاد برای تکمیل و تحویل کل آبارتمان‌های پروژه حدود نازده سال وقت لازم است که این مدت معادل نصف سن کاری یک کارگر (طبق قوانین موجود) است. ۴- شرکت نوسازی و عمران بهران خود از تولیدکنندگان است، که مصالح و کارهای دیگری را تولید می‌کند.

۵- شرکت تعاونی مسکن کارگران ازبیم خود افرادی را که واجد شرایط غیرفصلی بوده‌اند، انتخاب کرده است (حداقل دهسال اقامت و سکونت در تهران) که فرم درخواست زمین این شرکت دال بر ادعای کارگران است.

۶- باعنایت به دلایل فوق... با فرض اینکه آن مقام دلال کارگران را کافی ندانسد وموردقبول قرارندهند، لاطل باتوجه به اینکه اعضاء این شرکت نیز کارگر بوده و مسول قوانس رفاهی کارگران هستند و داستان مسکن حق هر کارگری ایرانی است، لذا کارگران با دلایل فوق خود را کاملاً محق به دانستن مسکن می‌دانند و مصرانه خواستار دستور اقدام لازم هستند.

کدکارفرمای اصلی ماست، ووزارت کار، که از کارگران درقبال این همه مشکلات منفی حمایت نمی‌کند، اعتراض می‌کنیم. ما همدارمی‌دهیم که دستهای در کار است که تلاش دارند ما کارگران صنعتی بعت را، که حامیان واقعی انقلاب سکوهمندا سلامی‌مان بوده وهستیم، به اعتماد بنا خواسته بکشانند و با سلب خدمی است به امپریالیسم و ضدانقلاب، که می‌خواهند توطئه‌های جهنمی خود را علیه انقلاب درکشور ما به انجام بمرسانند. ما نمایندگان کارگران صنایع نفت، گاز، پتروشیمی خواهان آنیم که هرچه سریع تر هیئتی تعیین و درمورد امکان با سرکته‌نماییده امام به این مسئله رسیدگی شود و وضع پیمان جمعی را روشن نمایند.

ضروریست به همکاران عزیز و زحمتمکش خود همدارم که متوجه هر حرکت ضد - انقلاب و عنان فرمت طلب، که تلاش دارند با استفاده از این مسئله علیه انقلاب تبلیغ کنند، با هشیاری برخورد کنند و گفته رهبر بزرگمان امام خمینی را در نظر داشته و بدان توجه نمایند، که در این شرایط هرگونه تخمین یا اعتماد و کم کاری برای انقلابمان زیان آور و خطرناک است و از هرگونه اقدامی که در وضع بحرانی کشور منجر به آشوب و اغتشاش شود، جدا "پرهیز نمایند.

ضمناً "کارگران عزیز را متوجه می - سازیم که ضعف کار ما در فقدان سازمانهای متشکل کارگری، تا حدیه‌ها، سندیگاها و شوراها است، که ضرورت دارد از نظر حفظ انقلاب و جهاد نظریه‌مین منافع حرفه‌ای خود، به آن توجه عاجلو فوری مبذول داریم.

درخاتمه از تاریخ انتشار این اطلاعیه، کلیه نمایندگان تهران را شکر و به حوزة ماء موریت خود رفته و از هر گونه اقدامی نسبت به پیمان جمعی سلب مسئولیت نموده و درانتظار اقدامات بعدی وزارت نفت در این مورد هستیم.

نمایندگان کارگران صنایع نفت کا ز - پتروشیمی شرکت کنند. در بیمان جمعی سال ۱۳۵۹، ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۹

نمایندگان کارگران صنایع نفت کا ز - پتروشیمی شرکت کنند. در بیمان جمعی سال ۱۳۵۹، ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۹

نمایندگان کارگران صنایع نفت کا ز - پتروشیمی شرکت کنند. در بیمان جمعی سال ۱۳۵۹، ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۹

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.



یادداشتی بر فیلم « مبارزین باسک » ساخته جیلوپونته کوروو

مثبت ترین پیام فیلم نمایش دهنوع مذهب است، که پونته کوروو با هنرمندی آن را ارائه می دهد: یکی مذهب ستمدیدگان و دیگری مذهبی که پایه های حکومت فرانکو ها را مستحکم می کند. کشیشی در کلیسا به شاگردانش درس مبارزه می آموزد به گروه هایی که برای آزادی باسک می رزمند، می پیوندند و سرانجام براه مبارزه جان می بازد. کشیشی دیگر برای گاررو بلائکو نخست وزیر فرانکو موعظه می کند.

یک مذهب، کودکان را بسوی مبارزه با ظلم و جور نظام فرانکو سوق می دهد و از کلیسا به منظور آموزش انقلابی آنها سود می جوید، و مذهب دیگر کلیسا را به مکانی برای عوام فریبی های ارگانهای حکومتی تبدیل می کند.

در فیلم جالی، که پس از رژیم فرانکو نیز به شیوه های تروریستی معتقد مانده است، در یک درگیری با دوامور صلح پلیس، زخمی می شود و سپس در صحنه غم انگیز مرگ بیپوده او روی تخت بیمارستان، به بیهودگی جریانهای سکتاریستی نشان داده میشود. صدای "ارگ" کلیسا مرگ ایدئولوژی سترون او را اعلام می کند.

فیلم مبارزین باسک، که به سیاری از مسائل اساسی را در سایه می گذارد، و از نظر فضا آفرینی بعضی از صحنه ها ضعیف است، در بررسی روابط درونی گروهی که یک ماموریت چریکی را تعقیب می کند، و همچنین نمایاندن مناسبات احساسی بین یکی از این افراد و همسرش موفق و درخور تماشاست.

اورا بگیرد. در صحنه های از فیلم، که جالی از رهبر کارگران اعتصابی می طلبد که به گروه آنها کمک کند، نکته آموزنده ای نهفته است: رهبر کارگران، که ۳۰ سال در زندان و در آزادی، به مبارزه اصولی و پیگیر، توأم با شکیبایی انقلابی، پرداخته است، در جواب او، با حرف های ساده خود، این مفهوم عمیق را ارائه می دهد که: " ما را به شور و شوقهای هیستریک نیازی نیست. آنچه برای ما لازم است، گام های موزون گردان های آهنین پرولتاریاست."

پونته کوروو در همین صحنه این مسئله مهم را رها می کند. آنچه برای کارگردان جالبتر به نظر می رسد، مناسبات درونی این گروه در چهار دیواری خانه های تیمی است. برای تماشاگر حتی علت همکاری کارگر، که همانا دلیل اعتقاد او به همکاری و همگامی همه نیروهای ضد فاشیست است، در راه های از ابهام باقی می ماند.

کارگردان به کندوکاو روحیات روشنفکران جدا از توده، که خیال پردازند و ایدئالهای ذهنی خود را به جای واقعیات زنده زندگی می نشانند، ادامه می دهد. آنها خود را هر بیله ای از باورهای ذهنی پیچیده اند، روند تکامل اجتماعی را، که قانونمندان و مستقل از شعور آنها شکل می گیرد، درک نمی کنند و عملاً به نقش عظیم توده ها اعتقاد ندارند. در صحنه های از فیلم جالی می گوید: " این مردم بی غیرتند!"

فرانکو پس از ددمنشی های بیشمار و به خاک و خون کشیدن مردم میهن دوست و آزادخواه، سرانجام در آوریل ۱۹۳۹ قدرت را در اسپانیا بدست گرفت (درست ۵ ماه قبل از آغاز جنگ جهانی دوم). جیلوپونته کوروو در فیلم مبارزین باسک جزئی بسیار کوچک از وقایع اسپانیا - عملیات یک گروه چریکی از اهالی باسک - را به تصویر درآورده است.

ایالت باسک، که در دوران جمهوری به صورت خودمختار اداره می شد، در ژوئن ۱۹۳۷ به خون کشیده شد و پس از استقرار نیروهای فرانکو در این ایالت، حتی تکلم به زبان بومی نیز قلعن گردید. ولی مردم باسک دست از مبارزه برنداشتند. مبارزان باسک بنا بر مواضع طبقاتی و تجربی و دانش سیاسی خود، به شیوه های مختلف، مبارزه را ادامه دادند.

فیلم برسال ۱۹۷۸ گشوده می شود. رژیم فرانکو به همراه خودش دفن شده است. عده های از رزمندگان، شیوه های قدیمی مبارزه را رها کرده اند و عده های دیگر بر شیوه های گذشته پای می فزند. فیلم با ملاقات زن و شوهری، که بعلت جدائی راه های سیاسی شان، مدتی است جدا از یکدیگر زندگی می کنند، شروع می شود و سپس دوربین به گذشته باز می گردد: ۱۹۷۳، زمانی که هر دو عضو یک گروه چریکی بودند. با این تفاوت که "جالی" - شوهر - مواضعی ماجراجویانه تر از بقیه گروه دارد. تکیه کارگران روی این شخصیت، تماشاگر را در این ابهام نگاه می دارد که گویا مشی گروه صحیح است. ولی این شخص مواضع چپروانه نادرستی دارد. حال آنکه کل حرکت گروه زیر علامت سؤال است. آنها با وجود صداقت عمیق، تهور جاننازانه و فدائیکاری پر شور، تمسای برنامه شان محدود به ربودن و سپس ترور یکی از اهرم های حکومت فرانکو است، تا "پست فطرتی برود و پست فطرت دیگری جای

فیلم مبارزین باسک، به کارگردانی جیلوپونته کوروو پرده است. از آنجا که فیلم به اسپانیای دوران فرانکو مربوط می شود، نظری اجمالی به گوشه هایی از تاریخ این کشور ضرور می نماید. پس از یک انتخابات دمکراتیک در فوریه ۱۹۳۶، جمهوریخواهان (اتحادی از کمونیست ها، سوسیالیست ها و سایر نیروهای ملی و مترقی در "جبهه خلق") قدرت را در اسپانیا بدست گرفتند.

بعد از پیروزی عظیم "جبهه خلق" در انتخابات، نیروهای راست گرا، یعنی نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، که در "جبهه ملی" متشکل شده و از حمایت انحصارهای امپریالیستی آلمان، انگلستان و ایتالیا نیز برخوردار بودند، به تکاپو افتادند، به انواع عملیات خرابکارانه برضد رژیم جمهوری دست زدند. آنها ژنرال فرانسیسکو فرانکو را به منظور انجام یک کودتای نظامی تقویت کردند. این دوران مصادف با اوج قدرت هیتلر در آلمان و موسولینی در ایتالیا بود. نیروهای "فالانژ"، تحت فرماندهی فرانکو با کمک همه جانبه هیتلر و موسولینی و تأیید ضمنی امپریالیست های امریکایی و انگلیسی و فرانسوی به کشتار فجیع آزادیخواهان پرداختند.

در طول جنگ های داخلی اسپانیا، انقلابیون این کشور از کمک های همه جانبه و بی شائبه همه احزاب کمونیستی و کارگری و به ویژه اتحاد شوروی، نخستین و تنها کشور سوسیالیستی در آن زمان برخوردار بودند. چندین کشتی اتحاد شوروی که حامل اسلحه و آذوقه برای جمهوریخواهان بودند، توسط زیر دریایی های انگلیسی و آلمانی به قعر اقیانوس فرستاده شدند. چریک های انترناسیونال، که به دستور کمترین به این کشور اعزام شده بودند، در سنگرها شانه به شانه جمهوریخواهان می رزمیدند. با این همه، رژیم

مردم لهستان بانگرانی به فعالیت عناصر ضد سوسیالیستی می نگرند



بحث های گسترده ای از طرف اعضای حزب متحد کارگر لهستان و کارگران لهستان در باره نتایج پلنوم کمیته مرکزی در سرتاسر کشور در جریان است. در این بحث ها تصمیمات پلنوم، و اقدامات مؤثر برای فائق آمدن بر مشکلات جاری مورد تصویب قرار گرفته است. روزنامه تریبون لودو، ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لهستان عملیات خرابکارانه عوامل ضد سوسیالیستی را که می خواهند کشور را از راه انتخاب شده منحرف کنند، شدیداً محکوم کرده است. خبرگزاری تاس اعلام کرده است که مردم لهستان با نگرانی به فعالیت این عناصر ضد سوسیالیستی می نگرند. تاس اضافه کرد که رسانه های گروهی بورژوازی نقش تحریک کننده ای ایفا می کنند و تنها سخنان و شایعات باصطلاح ناراضی هارا گزارش می دهند. ایسسن رسانه ها بویژه در آلمان فدرال تفسیرهای انتقامجویان آلمانی را منتشر کرده و تا آنجا پیش رفته اند که از تغییر مرزها در اروپا سخن می گویند و شهرهای لهستانی را با اسامی آلمانی منتشر میکنند، مثلاً گدانک را "داتریک" می نامند.

رهبر کلیسای السالوادور خواهان لغو حکومت نظامی است

در السالوادور، خونتای نظامی وابسته به آمریکا، سرکوبگری خود را تشدید میکنند، بگزارش سن دیکای کا رکنا - شرکت شیدروا نرژتیک رودملیا، که در جریس آن سرکوب اعصاب اخیر برقی کاران، بیش از صد و اوزده تن، از جمله خوزه آرنولدو گرانده و هکتور برناده، دو تن از رهبران فدراسیون زحمتکشان السالوادور با زداشت شدند، نظامیان همه گسترده های زندگی مردم را زیر نظرارت خود درآورده اند. در سالوادور پار دیگر جسد پنج تن از قربانیان عملیات تروریستی باندهای راستگرای شبه فاشیستی، که از سوی دولت تشویق میگردند، کشف شد. در سالوادور، مانند دیگر شهرهای السالوادور حکومت نظامی برقرار است و نظامیان و پلیس در شهرها س می دهند. آرتورو دریا ایداماس، بزرگ اسقف سان سالوادور و رهبر کلیسای السالوادور، سیاست اختناق خوستای حاکم را شدیداً محکوم ساخت و خواستار شد که حکومت نظامی لغو گردد و نظامیان ادارات غیر نظامی را ترک گویند.

لیبی تبدیل سومالی به پایگاه نظامی امریکا را محکوم کرد

وزارت خارجه لیبی با انتشار بیانیهای موافقت نامه اخیر امریکا و سومالی را در مورد استفاده نیروهای تجاوز کار امریکا از پایگاههای سومالی شدیداً محکوم کرد و اقدام رژیم سومالی را مغایر با منشور سازمان وحدت آفریقا خواند. وزارت خارجه لیبی در بیانه خود تأکید می کند که پایگاه امریکا در بربریا تهدیدی جدی علیه منطقه است و همه می دانند که هدف امپریالیسم امریکا آنست که اعراب و خلق های آفریقا را وادار به تسلیم سازد.

سوریه و اتیوپی حضور نظامی امریکارا در اقیانوس هند و دریای سرخ محکوم کردند

مذاکرات رهبری سوریه با وزیر خارجه اتیوپی در دمشق پایان یافت. سوریه و اتیوپی اوضاع خاورمیانه و قاره آفریقا را مورد بحث قرار دادند و سیاست امپریالیسم امریکا را، که حضور نظامی خود را در اقیانوس هند و منطقه دریای سرخ افزایش می دهد، محکوم کردند. دو کشور موافقت کردند که روابط سیاسی در سطح سفارت میان خود برقرار کنند. سوریه و اتیوپی تأکید کردند که پایگاههای نظامی امریکا در سومالی و دیگو گارسیا تهدیدی علیه خلق های منطقه است. وزیر خارجه اتیوپی در مصاحبه ای با خبرگزاری سوریه از نتایج مذاکرات در دمشق ابراز رضایت کرد و تأکید نمود که دیدار وی از سوریه تلاش های دو کشور را برای صلح، پیشرفت و آزادی گسترش خواهد داد. وزیر خارجه اتیوپی سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه اقیانوس هند و دریای سرخ را محکوم کرد و گفت که هدف این سیاست سرکوب جنبش آزادیبخش ملی در منطقه است. وزیر خارجه اتیوپی از سیاست سوریه، که هدف آن خنثی کردن توطئه خائنانه کمپ دیوید است، ستایش کرد.

تظاهرات ضد نژادپرستی در آمریکا

دو روز است که در شهر آمریکا بی ما تیوز (ویرجینیا)، علیه خونت های پلیس نژادپرست آن شهر تظاهرات برپا میشود. مردم در این تظاهرات اعتراض خود را نسبت به قتل یک جوان سیاه پوست، بنام مایکل جونز، ابراز میدارند. مقامات "امنیتی" به تقویت نیروهای پلیس دست زدند. سه ماه پیش در جریان اعتراضات ضد نژادپرستی در میا می، بیست تن کشته شدند.

درجهان سرمایه داری

«ننگی برای ملت»

مطبوعات اقتصادی ایالات متحده آمریکا چندی پیش سود ده کبیانی نفتی بزرگ آن کشور را در چهاره سوم ۱۹۷۹ منتشر ساختند. جدول زیر، قرون بر این آمار، همچنین درصد افزایش این ارقام را در مقایسه با پیکره های چهاره سوم سال ۱۹۷۸ نشان می دهد:

کبیانی سود چهاره سوم درصد افزایش به	۱۹۷۹ (به میلیون)	نسبت ارقام چهاره
آرکو	۲۲۰/۴	۱۹۷۸ سوم دلار)
آموکو	۴۳۳/۸	+۴۰
شل	۳۹۳/۳	+۴۰
سوکال	۵۷۶/۰	+۶۳
گالف	۴۱۶/۰	+۷۳
اکسون	۱۱۴۵/۰	+۹۷
موبیل	۵۹۵/۰	+۱۱۸
کونوکو	۲۴۷/۱	+۱۳۱
سوهاو	۳۶۶/۲	+۱۲۵
تکراکو	۶۱۲/۲	+۱۹۰
		+۲۱۱

تاماس اونیل، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا این ارقام را "ننگی برای ملت" خواند. سناتور جان درکین گفت که باید درباره بند وبست هایی که به چنین سودهای کلانی انجامیده است، تحقیق شود و آنها را با افتضاح و اترگیت مقایسه کرد. جیمز آرچونلا، نماینده "اتحادیه" کارگران صنایع نفت، شیمیایی و فرآورده های هسته ای" معتقد است که، این ارقام چیزی کمتر از "بورو گرافی" ناب نیست.

اتحاد شوروی برای پاسداری از صلح بار دیگر ابتکار را بدست می گیرد

در اطلاعیه ای که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون ملاقات های رهبران احزاب و کشورهای مجارستان، چکسلواکی، لهستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، لائوس و موزولستان با لئونیید برزنف دبیر کل کمیته مرکزی و صدر شورای عالی اتحاد شوروی در کریمه، انتشار داد، برای این دیدارها ارزش فراوان قائل شده است. در این اطلاعیه آمده است: نتایج دیدارها و گفتگوهای کریمه و مذاکرات اتحاد شوروی و ویتنام در مسکو در تقویت جامعه کشورهای سوسیالیستی نقش بزرگی بازی خواهد کرد. این دیدارها با ردیگر نشان داد، که کشورهای سوسیالیستی، با ساداری از صلح و تنش زدایی

لیبی تبدیل سومالی به پایگاه نظامی امریکا را محکوم کرد

وزارت خارجه لیبی با انتشار بیانیهای موافقت نامه اخیر امریکا و سومالی را در مورد استفاده نیروهای تجاوز کار امریکا از پایگاههای سومالی شدیداً محکوم کرد و اقدام رژیم سومالی را مغایر با منشور سازمان وحدت آفریقا خواند. وزارت خارجه لیبی در بیانه خود تأکید می کند که پایگاه امریکا در بربریا تهدیدی جدی علیه منطقه است و همه می دانند که هدف امپریالیسم امریکا آنست که اعراب و خلق های آفریقا را وادار به تسلیم سازد.

استحکام و گسترش روابط سوریه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای

سوسیالیستی

مبارزه بر ضد امپریالیسم و در راه استقلال بهره‌مند شوند.

تجربه همین کشورهای عربی در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال ملی بار دیگر ثابت کرد که آن رژیم‌هایی می‌توانند مبارزه در راه تأمین استقلال ملی را به انجام برسانند، که در مواضع ضد امپریالیستی خود اصولی، قاطع و آشتی‌ناپذیر باشند و در عین حال بتوانند میان دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و استقلال ملی خلقها مرزبندی مشخص و اصولی قائل شوند. تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی حزب بعث سوریه و تصمیمات کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین در زمینه توسعه و استحکام روابط و همکاریها با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی موید همین تجربیات است، که کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا اندوخته‌اند.

از نخستین روز آغاز بحران خاورمیانه، که در نتیجه تجاوز نظامی اسرائیل علیه کشورهای عربی پدید آمده، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه بر حق خلقهای عرب و سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی کرده و علاوه بر کمکهای نظامی و اقتصادی، در جمیع بین‌المللی از حقوق آنان دفاع نموده و امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را محکوم کرده‌اند.

در شرایط کنونی نیز، که در اثر نقشه‌های تجاوزی و توطئه‌گرانه اسرائیل و امپریالیسم آمریکا خطر درگیریهای مسلحانه جدید در این منطقه بوجود آمده، برای رویارویی با این خطی و تقسیم بیروزی در این پیکار، سوریه و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری و همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین، بدرستی بر روی گسترش و استحکام روابط خود و تحولی کیفی در این روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تأکید میکنند.

واقعیت را عمیقاً درک کرده‌اند که در مبارزه در راه استقلال و آزادی و علیه امپریالیسم و ارتجاع، کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آنها اتحاد شوروی، پشتیبان و متحد صمیمی و بیکیفر خلقها و از آنجمله خلقهای این منطقه‌اند. در تجاوزات مسلحانه اسرائیل علیه کشورهای عربی، که با حمایت همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا انجام گرفته، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه عادلانه کشورهای عربی پشتیبانی نموده و از هیچ‌گونه کمک و پشتیبانی سیاسی و نظامی و اقتصادی به این کشورها دریغ نکرده‌اند. رهبران کشورهای عربی، از آنجمله رئیس‌جمهور فقید مصر، عبدالناصر، رئیس‌جمهوری سوریه حافظ اسد، رهبر لیبی قذافی و یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین بارها این مطلب را خاطر نشان کرده‌اند که کمکهای همه‌جانبه اتحاد شوروی، و بویژه کمکهای نظامی آن، در مقاومت این کشورها در برابر تجاوزهای صهیونیستی و امپریالیستی نقش قاطع داشته و عامل مؤثر در حفظ امنیت و استقلال ملی این کشورها بوده است.

کشورهای عربی جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل، همه کشورهای اسلامی هستند و رژیمهای حاکم در آنها نسبت به نظام سوسیالیستی و اصولاً کمونیسم نظریات و برخوردهای خاص خود را دارند. در برخی از این کشورها، از جمله مصر، در آغاز دوران حکومت جمال عبدالناصر و در لیبی، در سالهای اول انقلاب، جو ضد کمونیستی حکمفرما بود و نسبت به نظام سوسیالیستی و اندیشه‌های کمونیستی، مواضع و برخوردهای خصمانه تفرق داشت. اما سداقت‌نیروهای انقلابی و رهبران انقلابی در مبارزه ضد امپریالیستی، از یکسو و کمک و پشتیبانی بی‌شائبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از سوی دیگر، طی زمان، سرانجام نیروهای ضد امپریالیستی در این کشورها رابه متحدین طبیعی خود، یعنی کشورهای سوسیالیستی نزدیک کرد. این کشورها توانستند با حفظ استقلال خود، با حفظ ایدئولوژی خود، برپیش‌دواریهای ضد کمونیستی و ضد شوروی فائق آیند و دست دوستی صمیمانه و سداقت‌نیرو اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را بپذیرند و از کمک و پشتیبانی آنان در

این منطقه مقاومت و پایداری می‌کنند. پس از انعقاد موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید و خیانت رژیم سادات، دیگر رژیمهای ضد خلقی و ارتجاعی، مانند عربستان سعودی و اردن، بایستی از سیاست امپریالیسم آمریکا، تلاش‌هایی بکار بردند، تا شرایط موافقت‌نامه‌های خائنه کمپ دیوید را به دیگر کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل بقبولانند و خود نیز به این موافقت‌نامه‌ها بپیوندند. اما روش اصولی و قاطعانه کشورهای عضو جبهه پایداری این تلاشها را عقیم گذارد.

پس از تحولات تازه‌ای که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دمکراتیک در افغانستان پدید آمد، به مواضع امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در این منطقه ضربات جدی و جبران‌ناپذیری وارد گردید. امپریالیسم آمریکا در تلاش برای جبران این ضربات، به تقویت پایگاههای نظامی و گسترش حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند پرداخت و سرزمین‌های خود را که رژیمهای وابسته در آنها حکومت دارند، به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز خود علیه کشورهای مستقل ملی منطقه، یعنی کشورهای عضو جبهه پایداری، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل کرد.

اکنون امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی‌اش و رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، جبهه واحد تجاوز، مداخله نظامی، توطئه و تحریک علیه کشورهای عضو جبهه پایداری، سازمان آزادیبخش فلسطین، و نیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان را تشکیل میدهند. در برابر چنین خطری است که کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین، روابط و همکاریهای همه‌جانبه میان خود و نیز با متفقین خود در سطح جهانی را گسترش میدهند و آنرا استحکام می‌بخشند.

سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری، طبق تجربیات قریب سی سال مبارزه و پایداری در برابر تجاوزات اسرائیل و امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی، این

پلنوم کمیته مرکزی حزب بعث سوریه، که به ریاست حافظ اسد، در دمشق، پایتخت سوریه، برگزار بود، بکار خود پایان داد. در بیانهای که در پایان کار پلنوم کمیته مرکزی حزب بعث سوریه انتشار یافت، گفته میشود:

«پلنوم لزوم تحکیم هرچه بیشتر جبهه پایداری و همچنین افشاء و خنثی کردن هر تلاشی را برای تحقق طرحهای کمپ دیوید مورد تأکید قرار داد. کمیته مرکزی حزب بعث سوریه تأکید کرد که در مقابله با امپریالیسم آمریکا باید روشی سازش‌ناپذیر اتخاذ گردد.»

پلنوم خواستار توسعه تماسها با نیروهای آزادیبخش ملی و با کشورهای سوسیالیستی و گسترش و نزدیکی کیفی در روابط با اتحاد شوروی، به‌شابه دوست‌راستین و پیگیر اعراب، که همواره از مبارزه بر حق اعراب پشتیبانی کرده‌است، گردید.»

ادامه سیاست تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه اسرائیل علیه کشورهای عربی و خلق عرب فلسطین، که با اقدامات ماجراجویانه تازه‌ای مانند اعلام بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، و گسترش تجاوزهای مسلحانه هوایی و زمینی در جنوب لبنان متجلی میگردد، اوضاع منطقه خاورمیانه را بحرانی‌تر و انفجاری‌تر کرده‌است.

تمام تلاشهای سیاسی و نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل، که با پشتیبانی کامل از جانب امپریالیسم آمریکا انجام میگردد، در سمت تضعیف مواضع نظامی و سیاسی کشورهای عضو جبهه پایداری و بویژه سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین است، که در رده مقدم این جبهه، در رویارویی با اسرائیل تجاوزکار و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا قرار گرفته‌اند.

جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل، که پس از خیانت انور سادات به منافع خلقهای عرب و امضای موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید، از کشورهای سوریه، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، الجزایر و سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل یافت، تنها نیروی مشکلاز رژیمهای مستقل ملی و ترقیخواه منطقه خاور عربی است، که در برابر سیاست تجاوزکارانه اسرائیل و توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای

عوامل کودتا در صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند؟

پاسخ مستولان به خواسته‌های مردم

بندبال درج يك گزارش از محلات فقر با عنوان «فقر حلقوم مردم پانچ‌داغ تبریز را می‌فشارد» در نامه مردم، شماره ۲۳۵، مورخ ۲۵ شهریور ۵۹، شماره ۳۶۱ مورخ ۴ شهریور ۵۹، از طرف مدیرکل ارشاد ملی آذربایجان شرقی و فتوکپی نامه شماره ۲۹۲۲ مورخ ۱۶ اردیبهشت ۵۹ از طرف فرمانداری تبریز به دفتر نامه مردم ارسال گردید، که متن نامه فرمانداری تبریز عیناً نقل می‌گردد:

«بنیاد مستضعفین تبریز فتوکپی صفحه ۶ روزنامه مردم، شماره ۲۳۵، مورخ ۲۵ شهریور ۵۹، تحت عنوان «فقر حلقوم مردم پانچ‌داغ تبریز را می‌فشارد»، که طی نامه شماره ۱۰۳۴۸۵ - ۱۰۳۴۸۵ مورخ ۱۶ اردیبهشت ۵۹ از طرف فرمانداری تبریز به دفتر نامه مردم ارسال میگردد. خواهشمنداست دستور فرمائید این موضوع رسیدگی دقیق و تحقیقات لازم معمول، چگونگی و نتیجه اقدامات را مستقیماً به روزنامه مزبور ارسال دارند، ضمناً مراتب را به اداره کل ارشاد ملی و نیز فرمانداری اعلام فرمائید»

☆ نامه مردم - ضمن تشکر از حسن توجه مقامات مسئول، نامه مردم در انتظار پاسخ بنیاد مستضعفین تبریز و نتایج اقدامات رفاهی مردم رنج‌دیده ساکن در محلات فقر و نیز محله پانچ‌داغ تبریز است.

اکنون واضح شده است که این اعمال مشکوک از چه منشائی برمی - خاسته‌است. آری در واقع، آن گروه کسانی که خود را آماده میکردند تا اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کودتاگران، یعنی جلادان میلیونها نفر از مردم ایران را که، در صورت وقوع کودتا به خاک و خون می‌غلتیدند، پخش کنند، منشاء حفظ وابستگی به منابع خبری امپریالیستی، ایجاد جوتحریرک و تشنج و دشنامگویی و بهتان‌زنی علیه نیروهای مترقی و انقلابی بودند. همانگونه که تا بحال نیز بکرات تأکید کرده‌ایم، ما از این اندیشه بدوریم که وجود نیروهای صدیقی و انقلابی را در صدام و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نادیده بگیریم و به اقدامات مثبت آنها در جهت آگام سازی توده‌ها و افشای امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم دست‌نشانده پهلوی، ارج ننهیم. اما این نیز واقعیتی است که مزدوران امپریالیسم با سوء استفاده از ناآگاهی نیروهای صدیق و نیز تنگ‌نظریها و انحصارطلبیهای برخی دیگر از نیروهای درون جبهه انقلاب، توانستند نقش شوم، تفرقه‌افکن و انحرافی خود را بر عملکرد صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، باقی گذارند. باید از تجرب تلخ گذشته آموخت، باید نه تنها مزدوران کودتاجی را در درون رادیو و تلویزیون با پیگیری تمام شناسایی و مجازات کرد، بلکه همچنین باید خط آنها یعنی خط تبلیغ نظریات امپریالیستی، خط تفرقه‌جویی و تحریک میان نیروهای انقلابی را، از مش صداوسیما جمهوری اسلامی ایران زدود.

و سیمای جمهوری اسلامی ایران نه فقط از نظر خبری به منابع امپریالیستی وابسته است، بلکه حتی در عرصه برنامه‌های تولیدی و تقسیرهای خود نیز بطور عمده نظریات و تبلیغات امپریالیستی را منعکس می‌سازد و از آنها الهام میگردد. بیش از این تعداد کودتاجی در این زمینه نیز بیکار نبوده‌اند و از پخش تفسیرها و نظریات امپریالیستی بجای نظریات منطبق بر مصالح انقلاب ایران، و در کشاندن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به وضعی که بدان دچار بود (و متأسفانه هنوز هم‌ست)، نقش مهمی ایفا میکردند.

مزدوران کودتاجی با سوء استفاده از ناآگاهی برخی نیروهای صدیق و نیز با بهره‌گیری از انحصارطلبیها و تنگ‌نظریها در برخی نیروهای دیگر، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را به وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه و تحریک بدل کردند و بجای تلاش برای ایجاد نظام میان نیروهای مترقی و انقلابی، آتشبار دشنام، توهین و افترا را علیه این نیروها گشودند، جو تشنج و تفاق را دامن زدند و بجای اتحاد، تفرقه آفریدند.

آنها تلاش کردند تا صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را از زیربوی از ویژگی برجسته خط امام، یعنی وحدت‌طلبی، منحرف سازند و براه ایجاد خصومت، تفرقه و بدبینی سوق دهند و متأسفانه علیرغم هشدارهای مکرر ما و کلیه نیروهای مترقی و انقلابی و نیز مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران، در این تلاش شوم خود تا حد زیادی موفق بودند.

همچنان در وابستگی خبری به منابع و خبرگزاریهای امپریالیستی باقی ماند. این واقعیت را حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی بارها و بارها اعلام کردند و آنرا با دلایل و شواهد و آمارهای گویایه اثبات رساندند و مکرراً طلبیدند تا این تفرقه‌ساز، که بیش از عملکرد وابستگان به امپریالیسم و رژیم سرنگون شده ناشی میگردد، با جدیت و هرچه سریعتر مرتفع گردد. اما این واقعیت تلخ همچنان بر عملکرد رادیو و تلویزیون، سایه افکند، تا آنجا که معلوم شد احتمالاً یکمزدور کودتاجی در مواضع حساس آن وجود داشته‌اند.

وابستگی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به منابع خبری امپریالیستی، که بیشک نتیجه عملکرد آگاهانه عوامل امپریالیسم در درون آن بوده است، برای مدت ۱۸ ماه دنیا را از چشم‌انحصارات امپریالیستی به مردم انقلابی ایران نمایاند، شکردهای تبلیغاتی آنها را علیه مصالح انقلاب ایران بکار بست و توده‌های مردم را نسبت به شناخت دشمنان واقعی و دوستان حقیقی خود سردرگم ساخت. این وابستگی فکری و تبلیغاتی، که مسلماً کودتاجیان در تحکیم آن از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نمی‌کردند، از اذهان مردم را بشدت مسموم ساخت و در واقع به فراهم آوردن زمینه‌های سیاسی و روانی تحقق توطئه‌های امپریالیسم یاری میرساند.

ما در نامه مردم، طی مقالات مستدل و مفصل نشان دادیم که صدا

اما آنچه اکنون می‌توان در ارتباط با وجود اینهمه مزدور امپریالیسم آمریکا در بهترین ارکان خبری و تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد، این پرسش است که عوامل کودتا، در ۱۸ ماهی که از انقلاب ایران می‌گذرد، در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بوده‌اند و چه اهداف و مقاصدی را از پیش می‌برده‌اند؟ روشن است که مزدوران کودتاجی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به انقلاب خدمت نمیکردند. کسی را که چنین ادعائی داشته باشد، بیشک باید مشکوک تلقی کرد. مزدوران کودتاجی مسلماً در ۱۸ ماه پس از انقلاب، تمام کوشش و تلاش خود را بخرچ داده‌اند تا این ارکان مهم تبلیغاتی و خبری، از انقلاب بدور ماند، چهره گذشته خود را حفظ کند و به انقلاب زیان بزند.

واقعیت نشان میدهند که کودتاگران متأسفانه تا حد زیادی در انجام مقاصد پلید خود موفق بوده‌اند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به تصدیق کلیه نیروهای مترقی و انقلابی و نیز مسئولان جمهوری اسلامی ایران، در ۱۸ ماه پس از انقلاب، به وظایف عظیم خود در جهت آگاسازی مردم نسبت به فجایع رژیم منور پهلوی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدانش، در جهت روشن‌ساختن اهداف ضد - امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران، در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی عمل نکرده‌است.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران طی ۱۸ ماه پس از انقلاب،

هفته پیش روزنامه‌ها گزارش دادند که یک شبکه بزرگ عوامل کودتای نافرمان تیرماه در رادیو و تلویزیون کشف شد. کیهان گزارش میدهد که از این شبکه توطئه‌گر تا بحال بین ۳ تا ۶ نفر دستگیر و قریب ۳۰ نفر شناسائی شده‌اند و احتمال می‌رود این رقم تصادف نیز افزایش یابد!

بامل کودتا برنامه‌هایی را که یست پس از موفقیت توطئه، از رادیو و تلویزیون به جانبداری از تاجیان پخش شود، آماده کرده .. آنها قریب به ۳۰ ساعت به تهیه و چند نوار سخنرانی از بردگان رژیم سابق مونتاز شده بودند. عوامل کودتا، نوار یونی تاجگذاری شاه سابق را ، بودند و ...

ناتکه معلوم است، عوامل بلیسم آمریکا و وابستگان به منور پهلوی، علیرغم ۱۸ ماه ز انقلاب ایران میکردند، هنوز به پستیهای مهمی را در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در خود داشته‌اند. این عوامل ان از آمادگی برخوردار بوده‌اند حتی برنامه کودتاجیان را نیز کرده بودند و در انتظار دستور پخش آن بسر می‌بردند!

که چه نیروهایی در ابقای این ان، آتم در چنین موقعیتهای س، نقش داشته‌اند، امری است ایدسولین جمهوری اسلامی بدان پاسخ دهند، و این راه، که بیشک خود در رابطه ناگران عمل می‌کرده‌اند، افشاء بر و مجازات کنند.

از کمک‌های رفقا و دوستان سپاسگزاریم		
ر. ش	۱۰۰۰۰۰ ریال	رضا آشفته از ماسوله
در جشن عروسی خ. ف. ازسفن	۳۰۰۰ ریال	فریبرز حسن‌زاده از گرمسار
	۲۰۰۰۰ ریال	۳۰۰۰ ریال

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چهره تجاوز کار امپریالیسم امریکا در صحنه جهانی

سیاست تجاوز، توسعه طلبی، سابقه تسلیحاتی و مداخله نظامی علیه کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبش‌های انقلابی و جنبش‌های رهایی‌بخش خلقها ناشی از سرشت امپریالیسم امریکایورسپله‌تأمین سودهای کلانی است که، به حساب استعمار و استثمار و غارت بی‌بندوبار ثروتهای ملی خلقهای کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، به گاو سندوق-های انحصارات مالی و نفتی و کمپلکس‌های نظامی و صنعتی امریکا سرازیر میشود.

امپریالیسم امریکا بمنظور تأمین و حفظ این منافع آزمندانه، سیاست خود را بر محور بلوک‌بندیهای نظامی تجاوزکار، تشدید مسابقه تسلیحاتی، گسترش پایگاههای نظامی، دریایی و هوایی و حضور نظامی خود در تمام مناطق جهانی قرار داده است و از ابتزاه تلاش در مناطق عظیمی از جهان را زیر کنترل نظامی خود قرار دهد و با تهدیدهای مداخله نظامی، عملیات تخریبی و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از تحولات انقلابی که در مناطق و کشورهای گوناگون جهان روی میدهد، جلوگیری بعمل آورد و یا حداقل روند این تحولات را به بستر دلخواه خود بکشد.

امپریالیسم امریکا با استفاده از این پایگاهها و حضور نظامی خود در مناطق مختلف جهان، استقلال ملی کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را در معرض خطر قرار داده، جنبش‌های انقلابی در کشورهای این قاره‌ها را به مداخله مسلحانه، کودتاهای نظامی و توطئه‌های سیاسی تهدید میکند.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان، منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به بزرگترین مرکز تجمع و استقرار نیروهای دریایی و هوایی و واحدهای تفنگداران امریکایی تبدیل شده است.

در اجلاس هیئت کمیته سازمان ملل متحد ویژه اقیانوس هند، مسئله تقویت پایگاههای نظامی امریکا و گسترش حضور نظامی آن در این منطقه و خطری که تمرکز این نیروها برای کشورهای منطقه دربردارد، مطرح گردید. اکنون تنها در خلیج فارس ۳۰ تانکر جنگی و دو ناو هواپیمابر «ایزن‌هاور» و «گوستلین»، ۵ ناو جنگی حامل ۱۸۰۰ تفنگدار دریایی و ناو هلیکوپتر «گوادال کنال» تمرکز یافته‌اند. جزیره دیگری کارسیدر اقیانوس هند به بزرگترین پایگاههای نظامی، دریایی و هوایی امریکا تبدیل شده و با سلاحهای موشکی و هسته‌ای مجهز گردیده است.

علاوه بر این، امپریالیسم امریکا در مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، ترکیه، سومالی و کنیا پایگاههای نظامی جدیدی تاسیس کرده و تمام تاسیسات نظامی و پایگاههای دریایی و هوایی این کشورها را برای استفاده واحدهای نیروی دریایی و هوایی خود در اختیار گرفته است. ده پایگاه نظامی امریکادر اقیانوس آرام وجود دارد، که پایگاه نظامی دریایی و هوایی در جزیره گوام عمده‌ترین این پایگاهها در منطقه اقیانوس آرام است.

در دسامبر گذشته، علاوه بر نیروهای موجود در این پایگاه، یک واحد نیروی هوایی مرکب از ۱۴ بمب افکن ب-۵۲ و یک واحد ضربتی برای عملیات تهاجمی در این پایگاه مستقر شده‌اند.

در اقیانوس اطلس و دریای کارائیب نیز پایگاههای نظامی امریکا با نیروهای جدید تقویت و با سلاحهای مدرن مجهز میشوند. در لایحه اصلاحی بودجه سال ۱۹۸۱، که بنا به پیشنهاد کارتر رئیس‌جمهور امریکا، به تصویب رسید، یک بودجه مخصوص معادل ۳۱/۳ درصد جمع کل هزینه‌های نظامی امریکا برای هزینه گسترش و تقویت واحدهای دریایی پایگاههای نظامی و ۱۸۵ هزار نفر تفنگداران دریایی تخصص داده شده است.

طی دو ماه اخیر، دولت امریکاموافقنامه‌هایی جهت تاسیس پایگاههای نظامی در کنیا و سومالی با دولت این دو کشور بسته است. طبق این موافقت نامه‌ها امریکاکار بندر مومباسا در کنیا برای تاسیس پایگاه نظامی و چند فرودگاه نظامی استفاده خواهد کرد و بندر بربرا در سومالی به پایگاه نظامی دریایی امریکا تبدیل خواهد شد. در مقابل امریکا کمکهای نظامی و تسلیحاتی به کنیا و سومالی خواهد کرد.

پایگاههای نظامی امریکا در مناطق مختلف جهان ونیز حضور نظامی امریکا وسیله تهدید نظامی، مداخله مسلحانه و کانون توطئه و تحریک علیه کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های انقلابی در مناطق مختلف جهان است. روزنامه واشنگتن پست این واقعیت را چنین بیان میکند:

«پس از پیروزی انقلاب در نیکاراگوئه، که منجر به سرنگونی رژیم سوموزا، دست نشانده امریکا گردید، امریکا امکان نخواهد داد که در السالوادور نیروهای چپ زمام امور را بدست گیرند. وزارت دفاع امریکا برای مداخله مسلحانه در السالوادور طرحی تهیه کرده است، که بدینوسیله یک رژیم طرفدار امریکا را در این کشور حاکم سازد.»

اکنون ۴ هزار چریک در پایگاه نظامی فورد ریارد، واقع در ایالت کارولینای شمالی، ۵ هزار کماندر در پایگاههای ایالت آلاباما و پاناما برای تجاوز نظامی به السالوادور به حال آماده‌باش درآمده‌اند.

تحریکات نظامی امریکا علیه کوبای سوسیالیستی همچنان ادامه دارد. وجود پایگاه نظامی امریکا، گوانتانامو، در سرزمین کوبا وسیله عمده عملیات تحریک آمیز و اقدامات تجاوزگرانه امریکا علیه کشور مستقل کوبا و جنبش رهایی‌بخش خلقهای منطقه دریای کارائیب است.

چنین است چهره واقعی امپریالیسم جهان‌خوار امریکا، دشمن همه خلقهای انقلابی جهان دشمن جنبش‌های رهایی‌بخش خلقها و استقلال ملی کشورهای سراسر جهان.

برای اطلاع علاقمندان به نشریات حزب توده ایران

فروشیها با عرضه نشریات حزب توده ایران همراه بوده، جزو-ایست به نام «شاخ آفریقا» که محتوای آن به حقوق مردم اعتراض بسیاری از علاقمندان به نشریات حزب ما است و آنها را به نوشتن نامه‌های اعتراضی آمیز علیه این نشریه وامی‌دارد.

پدین وسیله به اطلاع همه علاقمندان به نشریات حزب توده ایران می‌رسانیم که این نشریه هیچگونه ارتباطی با انتشارات حزب توده ایران ندارد.

ما از مسئولان دهکده‌ها و کتاب-فروشی‌های علاقمند به نشریات حزب توده ایران انتظار داریم، که برای جلوگیری از این نوع سوء تفاهات زبان‌پوشی، از فروش نشریات دارای محتوای مخدوش و مشکوک در کنار نشریات حزب ما، خودداری کنند.

اسلحه و آموزش نظامی را بدون کارخانه‌ها و به میان کارگران برد، واحدهای کوچک رزمی و گروههای کوچک نظامی بوجود آورده، تا هم از واحدهای صنعتی خود در برابر ویرانگری شدانقلاب دفاع کنند و هم برای مقابله با دشمن در سطح کشور آماده باشند.

هیچ طبقه‌ای چون طبقه کارگر به تثبیت انقلاب و تداوم آن علاقمند نیست. هیچ طبقه‌ای چون طبقه کارگر، که سالیان دراز سلطه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آنها را با پوست و گوشت خود احساس کرده، علاقه به تحکیم انقلاب ضد امپریالیسم و تاسیس نیروی مومضه امپریالیسم ندارد. هیچ طبقه‌ای چون طبقه کارگر، که سالیان دراز شلاق استثمار پیکرش را زخمدار ساخته، به استواری پایه‌های انقلاب و تعمیق ابعاد ضد سرمایه‌داری آن علاقمند نیست.

طبقه کارگر چه روشنی میداند که، راه رهائی از او معبر این انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میگردد، و بهین جهت آماده است که تا آخرین دم در برابر امپریالیسم

شهادت است از چه بلا دارد؟ ای دولت امریکا! خیال نکن که اگر به ایران حمله کردی، طرف تو فقط ارتش ایران و پاسداران ایران است، با طرف تو همه ملت ایران است. با ارتش بیست میلیونی ایران مواجه میشوی، اگر منظور دولت امریکا از حمله به ایران این است که باز ایران مستعمره امریکا بشود و امریکا بخواد ذخایر و معدن ایران را مثل سابق به بغما ببرد، ایس محال است، مگر اینکه از روی نعره ۳۰ میلیون عبور کند و هدف امریکا هم قطعاً همین است. هرچوقت بفکر گروگانها نیستی. ولی اگر

آیت الله منتظری...

اخیراً دولت ابرقدرت امریکا بعد از آن که چند مرتبه خواسته است به ایران یورش بیاورد، شکست خورده، باز شروع به نشان دادن جنگ و دندان کرده است، نیرو به اطراف ایران می‌آورد، عراق و مصر و کشورهای دست‌نشانده را تحریک می‌کند که به ایران حمله کنند، یورش بیاورند، من از طرف همه ملت ایران به دولت امریکا اخطار میکنم که اقدرت جنگ و دندان نشان ندهد، چه کسی را می‌خواهی بترسانی؟ ملتی که آماده

تأمین رفاه...

بقیه از صفحه ۱
یالیستی، کشور ما را به یک جامعه مصرفی تبدیل کرده بود. در این جامعه مافوق‌زده، با انباشتن کالاهای وارداتی در بازارها از طرفی و ایجاد امتیازات بی‌جا و امکانات سرسام‌آور برای افسار و طبقات ممتاز آریامهری از طرف دیگر، یک سلبه و ذوق بیمارگونه و یک تصور بکلی غلط از اجتماع و زندگی و سعادت انسانی بوجود آورده بودند. قدر و منزلت انسان را با داشتن کتخ و ویلا و ماشین و مسافرتهای فرنگ و اسباب‌آلات زندگی مافوق‌لوکس و طرز زندگی آمریکائی اندازه میکردند. رژیم انقلابی ایران نمی‌تواند و نباید یک چنین طرز زندگی را در جامعه انقلابی ایران تحمل کند.

ولی تأمین کار، سکون، خوراک، بهداشت، فرهنگ و دیگر مسائل عادی و مبرم زندگی برای توده‌هایی که با خوردن ده‌ها هزار عرین خود انقلاب را به پیروزی رسانده‌اند، وظایف تأخیر ناپذیر حکومت انقلابی ماست. این دودوز زندگی متضاد اجتماعی - طرز زندگی پر فساد آریامهری و طرز زندگی شرافتمندانه انقلابی را باید از هم تمیز داد، اولی را با تمامی قوت و قدرت طرد و ریشه کن کرد و دومی را با تمام امکانات ایجاد کرد و مستقر ساخت.

ما میدانیم که ایجاد یک چنین تحول عظیم در زندگی مادی و معنوی مردم زحمتکش ایران کار یک‌روز و یک‌ماه و یکسال نیست. این یک تحول عظیم کیفی است، که اولاً با توسعه و ترقی تولید داخلی و لاینا بازرگانی مناسب تولیدی و تغییر بنیادی در اصول توزیع درآمد ملی ارتباط مستقیم دارد.

ما میدانیم که باید با تلاش و خویشتن‌داری و نفوذ و سلطه مجدد آنها هیچ بهائی در میان خود نپذیرد. باید این نیروی آگاه ضد امپریالیستی، تا پایان انقلابی را بسیج و تسلیح کرد که در آن صورت هیچ متجاوزی در سرزمین ما شانس پیروزی نخواهد داشت.

راست میگویند و دلشان سوخته که «هفتقر در اینجا در گرو هستند، ملت ایران اول خواسته‌هایش را برآورده کن البته شاه را می-خواستند، ولی شاه به درک رفت، اما سایر خواسته‌های ملت را تأمین نکنند، گروگانها آزاد خواهند شد. پس معلوم میشود امریکا که به این خواسته‌های مشروع ملت ایران ترتیب اثر نمیدهد، معلوم میشود که هدفتی گروگانها نیست، بلکه گروگانها بهانه است...»

(اطلاعات - ۵۹۶۸)

به نظر تو بچه‌های پوک خطر امریکا جدی نیست



عکس مجاور پوسته‌های گروهاک مائوتیستی پیکار را در بندر انزلی نشان می‌دهد که بر روی پوسته هشدار دهنده حزب توده ایران، در مورد خطر امپریالیسم امریکا، چسبانده شده است. به نظر تو بچه‌های پوک، خطر امریکا جدی نیست، پس روی هشدار حزب توده ایران را باید پوشاند!

کوتش همین مردم زحمتکش محروم بنیان اقتصادی نوین و مناسبات تولیدی نوین برقرار کرد و حق را به حقدار، یعنی به مردم زحمتکش و محروم رسانید. و همه اینها با طرز تفکر دولت و برنامه دولت ارتباط مستقیم دارد. اظهارات آقای نخست‌وزیر در باره «توقعات کاذب» بویژه از آن جهت ما را نگران کرد و بنوشتن این سطور واداشت که، ایس اظهارات ما را بیاد سخنان آقای مهندس بازرگان انداخت که هتیم تصدی ریاست دولت موقت میگفت که مردم «توقعات بیجا» دارند و اخیراً در دفاع از سیاست کام بگام از «اشتهای کاذب» مردم سخن گفت.

این طرز تفکر، دولت موقت را فلج ساخت، زیرا روشیکه توقعات مردم «بیجا» و «اشتهای کاذب» نامیده شود، برای برآوردن این توقعات هم کامی برداشته نخواهد شد و انقلاب درجا خواهد زد، و در جازدن برای انقلاب در حکم انتحار است. چنانکه دیدیم چنان هم شد و فقط امام خمینی، بسا روش قاطع و انقلابی خود با دیگر بندگان انقلاب رسید و آنرا از تقشای دکام به گام نجات داد.

بدینسان است که ما قصد مقایسه دولت جدید را با دولت موقت کام بگام نداریم، زیرا دولت جدید در شرایط بکلی متفاوتی با دولت موقت تشکیل میشود و همه بحق در انتظار آند که هم ترکیب آن آن دارای محتوای انقلابی.

بهین جهت هم، پس از اعلام برنامه دولت، نظرات اصلاحی خود را درباره آن خواهیم نوشت. ولی از همین حالا میخواهیم بگویم که توقعات مردم زحمتکش «کاذب» نیست. مردم البته انتظار آنرا ندارند که یک شبه همه مسائل حل شود و جنب کاری شدنی هم نیست. ولی مردم انتظار دارند که برنامه دولت آقای رجائی در سمت اجرای «توقعات» بسیار بحق و عادلانه کوخ‌نشیان باشد. شما سمت برنامه دولت را درست و روشن و مطابق نیازهای کشور و مردم و انقلاب، همین کنید و اجرای «توقعات» کوخ‌نشیان را همد اصولی خود قراض کنید. انوبت اطمینان داشته باشید که مردم و همه نیروهای مردم با جان و دل در اجرای آن بشما کمک خواهند کرد.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دائره امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر رزبازی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دقتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 321
31 August 1980
Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.